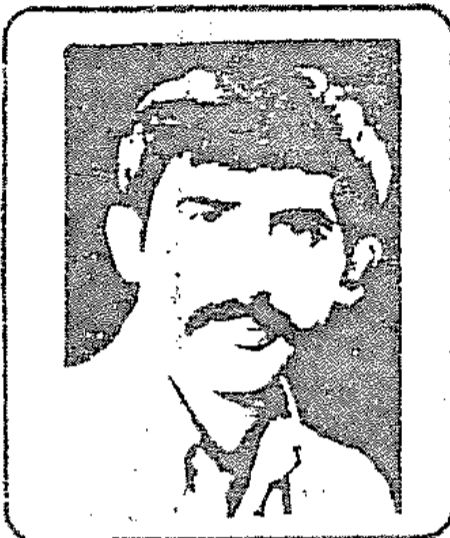


حقیقت

شماره ۴۴۹ ۵ آبان ۱۳۵۹

زندگی اش کوتاه ولی پرنهر بود!



بیاد رفیق شپید
محمود گریور
که در راه انقلاب و
میهن جان باخت!
صفحه ۵

مروری بر جبهه آبادان، اهواز خرمشهر

کدامین راه؟

سیاست حاکم موجود در شهری جنگ
و شیوه‌ای که به پیش برده میشود،
نه عراق قادر است اهداف مشخص
بفیه در صفحه ۳

جنگ بغداد از یکماه پسند
اصطلاح به "بیست" رسیده
است. این "بیست" بمعنای
آست که با شرایط موجود و بسا

بود کمرت و مردم شهر متحد آبی
ماحتن سنگر و خندق و مستدو
به جمع آوری نظری و سزین
بفیه در صفحه ۲

آبادان از همان
روا اول کشیده
شدن جنگ پسند
حوالی آبادان - خرمشهر، دند
جاصبت از حکومت جنگ
تحصیلی و تجاوزکارانه عراق
و آمادگی جهت مقابله بسا
تجاوزکاران یعنی بود. پس
از پرتاب چند خمپاره و راکت
از سوی نیروهای رسمی و هوک
شی یعنی ها در پالایشگاه و مخازن
نفت و بویژه نیروی خانه ضای
مردم، که به کشته شدن عده‌ای
در نقاط مختلف شهر منجر شد،
جنگ در ادهان عموم صورت جدی

آیا شوروی در قبال جنگ کنونی بیطرف است؟

نقشه امپریالیسم آمریکا برای
سرکوب انقلاب و تحصیل پیک
رژیم دست نشانده و فاشیستی در
کشور ما بوده و هست. طبق این
نقشه (که به طرح برزیسکی
معروفیت دارد) حکومت مزدور
بعث بسپانه دعای شورونیمتی
خود باید بخشی از خاک ایران
یعنی حوزستان و کرمانشاهان
را در جریان یک تهاجم گسترده
ناگهانی به تصرف در آورده و در
پناه قدرت آتش خویش رمیسه
تشکیل حکومت پونا لسی دارو
دسته‌های فراری ارتجاع

کارانه‌ای که رژیم دوربعث
عراق بر علیه ملت ما برانداخت
از جمله مواضع دیپلماسی
تیک خیرخواهانه کرملین در
تسال زمانداران بغداد در این
جنگ، بار دیگر ماهیت رقابت
های دودولت جهان حواری آمریکا
و شوروی را برای ایرانیان بر
ملا ساخت. زیرا تجاوز عراق
به ایران و تقاضای که مردوران
حاکم در بغداد درستیانی وهم
کاری کامل با دارو دسته‌های
شاه پرست و سوکران آمریکا از
این جنگ تجاوزکارانه دنبال
میکنند برای ایسین بخشی از

پشتیبانی نظامی وسیله
سی روسیه، شوروی از جنگ تجاوز

پیرامون مواضع مجاهدین و نشریات فریاد گودنشین و بازوی انقلاب در قبال جنگ کنونی

تجاوز بسپانه مزدوران
سنی به خاک میهن ما موجب
بفیه در صفحه ۸

علیه ملت ما توسط این عنصر
منه کروا یا دینش صورت میگیرد
مغرب اهالی را از وی وهم
نظارا من و همچنین از حربه
جمهوری ملای سنت افرایش
داد. قابل ذکر است این افراد

مروری بر جنبه...

از صفحه اول
جماعت دارو "مسلمان" دوا شده
به کلام مدت کرمش بیمار اینها
وحیانه، عراق، نخستین
کنایه بود که هول برتسل
داشته و ارتش پیا عراقیها
بظور کئی رادیوآبادان همچنان
معانی را علیه نیروهای چپ
و همچنین مجاهدین سازمان
لیکن بوده، مردم که پیش آنها
را در کارهای امدادی، حفر
حدیها و تونل ها و سربندی و
سربندی دشمن متجاوزان شده
میکنند توجهی به این با و کوب
شی ها نداشته و چون پیمان
بر شهرهای حوزستان به هیچ رو
باب طبع حمرات احما را طلب
و منته جو میباشند. حتی تعداد
روزا مروی اریا سداران انقلاب
هم نظرتان نسبت به حضرات و
تلیعات ارتقا عیاشان بر کشته
وازیات این تفرقه افکنی ها
ابرازا حرسدی وانزاجارمی
کنند.

پایان هفته سوم جنگ
(۲۱ مهر) ، سپاهیان مزدور
عراقی موفق شده بودند که از
رودخانه کارون عبور کنند و
سنت اهواز حرکت کنند. که در
پی آن درگیری شدیدی در
آبادان و خرمشهر روی داد.
برای همین روز ۲۲ مهر رادیو
آبادان به همه مردم شهر اعلام
آماده باش داده بود. همپای
داران وهم مردم از کم کساری
ارتش خیلی متعصب و ناراحتند.
همچنین مردم از بی برنامه کسی
ومزاجتبا شی که در راه تسلیم
آنها میشود عیاشی اند.

در میان گروههای انقلابی
یا چپ به جز اتحادیه کمونیستها
و مجاهدین خلق بنظر میرسد که

و نفعی و روغن سوخته و غیره
پراستند برای ساختن کوکتل
و غیره. در این روزها روحیه
اهالی بسیار بالا و حس همکاری
در بین مردم بی نظیر بود. تنها
هفته دوم جنگ (۲ و ۸ مهر
ماه) شدت بمباران هوایی
وحیانه، عراق بیرونی خانه ها
و محلات مسکونی، که باعث
کشته و زخمی شدن تعداد زیادی
گردید. مقداری هول و هراس
ایجاد کرد. و در نتیجه بتدریج
خانواده های شهر را ترک
گفتند. لیکن جوانان و مردان
نی از ایشان در شهر باقی ماندند.
که روحیه بالای خود را حفظ
کرده و می گفتند که: ما ماندم
رسی مانیم تا از شهرمان در مقام
بیتجا و زیمت عراق دفاع
کنیم. البته مهاجرت از شهر
بیشتر در مناطق مرفه نشین
صورت گرفته است. بطور مطلق
بریم. بوارده و بارک آریا که
کاملا خالی از سکنه شده اند. در
واقع زمینکنان شهرند که به
همراه جوانان باقی مانده و از
شهر قاطعانه دفاع میکنند.

در هفته اول هادی عفاری،
فتنه گر معروف، که همراه بسا
بسی مدربه آبادان آمده بود از
همان قدم اول بنای فتنه را
گذاشت و در رادیو علیه با مطلق
خلقها شعار داد و به تفرقه افکنی
پرداخت. نتیجه اینکه راینکه
عده ای از جما قدرها به برخی
از سنگرهای شهر، که آنها را از
آن کمونیستها و عنا صرچ می
دانستند، حمله کرده و چند تانی
را خراب کردند. ولی ایسین
عملیات شیع خائنه، که در
وسط جنگ نجا و زکارانه است

با سداران بوده است. ما این
حال در جریان حملات ارتش
مزدور عراق به خرمشهر در روزهای
نهم و دهم مهر ما به افشار خود مردم
مقداری سلاح سبک بدست آریا
افنا دو توده های زحمتکش خرم
شهر همراه با گروههای آریا
داران و اعضای گروههای انقلابی
بی و کمونیستی قهرمانان به
تانک و توپ دشمن جنکیده و با
تصرف تعداد زیادی از تانکهای
دشمن و یا تخریب و به آتش کشیدن
آنها شهر را از لوث وجود مردوران
عراقی پاک کردند. لازم به ذکر
است که در جریان جنگ قهرمانان
مانند مردم خرمشهر به هیچ رو
احدی از افراد جما قدر با مطلق
" حزب الهی " ، این " مسلمان
نان " دوا شده که امثال بهشتی
ها و آیت هابلسند کوبشان هستند.
حضور نداشته اند، بلکه این افراد
که همه شناخته شده اند در همان
هفته اول کسترش جنگ فرار را
برقرار ترجیح داده و کورشان
را کم کردند.

اوضاع نیروی زمینی در
خرمشهر متاسفانه بسیار اسفناک
بوده و بی برنامه گی و هرج و مرج
در آن حکم فرماست و اغلب کاری
صورت نمیدهند. بطوریکه مردم
شهر، با سداران و خود سربازان
از این مابست بسیار ناراحت و
خشمگینند. قطعا تعدادی از
فرماندهان ارتش عامدان به
کارشکنی مشغولند و به مسائل
تدارکاتی و همچنین ارسال به
موقع مهمات و وسائل سنگین
جنگی مانند توپ و تانک و غیره
نمیرسند. همین امر سوءظن
زیادی را در میان مردم وجود
سربازان بوجود آورده و انگیز
دلگرمی های مردم و رشادت و
قهرمانی جوانان شهری و همچنین
جنبی از جان گذشتگی با سداران
نبودن نقش بسیار مخربی میتواند
نست ایفاء کند. البته یکی از
کردارهای ارتش در خرمشهر بنام
گردان ۱۵۱ دژ تانکی توانست
با ناپستی در برابر حملات
بیتابی مزدوران بعثی ایستاد
بقیه در صفحه ۶

شرکت در مبارزات شده چندان
مسئله با بر گروهها نمیشناسند.
عده ای از طرفداران " پییکار "
و " زمندکان " در پاره ای محلات
هستند، که اغلب بر اثر خط متی
احراقی سازمانهایشان و بی
برنامه گی منفعل عمل میکنند
ولیکن برخی شان طبق برنامه
ورسورودی خلافت گفته و سا گفته
ریشری های شان مشمول فعالیت
و مبارزه اند. (چنانکه فسلادر
" حقیقت " آمده بود در روزهای
اول تهاجم عراق به کروه " بی
کار " ، " زمندکان " و " راه کار
کر " ، مشترکا یک ستاد با مطلق
مستقل در این شهر زده بودند که
که با تسمخرو مخالفت کارگران
روبرو شد و جمع کردند و رفتند.
در یکی از کمیته های مقاومت
سدادی از طرفداران " پییکار "
و " زمندکان " و... قصد چپ
ساشی و ناسازگاری داشتند.
که خود بخود منقرض شده و بی کار
رستند.

خرمشهر
امروز کا سلا
بیک در جنگی
تبدیل شده است و جوانان انقلابی
سلاح شهر و با سداران بر آنجا
حکومت میکنند. شهر را سرب
سنگربندی شده و در خیابانها خند
و تونل حفر شده و روحیه ها قسوی
است. البته تعداد زیادی از
خانواده های خرمشهری شهر را
ترک گفته اند، که این مسئله
کمتر در محلات کارگری و فقیر
نشین بچشم میخورد. علت عمده
ترک شهر توسط مردم، بجز افشار
مرفه و سرمایه دار که بهر حال در
هر جنگی حفظ جان و مال خود را
بر حفظ آرمات و کشور ترجیح می
دهند، بی برنامه گی مقامات
کشوری و استان میباشد. آنها
مردم را در زیر باران گلوله های
دشمن بحال خود رها کرده و هیچ
کاری در جهت شکل و تسلیم
مردم و ایجاد وسائل ایمنی و
دفاعی با اتکاء به اهالی شهر
انجام میدهند، و هر چه تا کنون
شده است با اینکه خود جوانان
انقلابی شهر و همچنین تا حدی

گداهین راه

تعلق بخند، و نه ایران "قادر" است تا نیروهای تجاوزگر عراقی را از خاک خود اخراج کند. جنگ بعثت "ایستایی" در آمده است. پیشرفت محسوسی بغور کیفی در هیچ یک از جیبهای اصلی جنگ، بخصوص در جیبه آبادان - خرمشهر دیده نمی شود. چنین بنظر میرسد که ارتش تجاوزگر عراق قصد ورود به شهرها را ندارد. و فقط هیتلرمانا با نیت آنها را هدف بسبب باران خمپاره ها و توپهای خمسه خمسه فوشر قرار داده است. چرا که اگر خراب کند و بخواهد نهرها را کاملاً به تخیر خود در آورد، در آن صورت دیگر این آنستل توپخانه و تانک نیست که سرنگ شت جنگ را تعیین میکنند، بلکه جنگ خیابانی شهری، جنگ پارتیزانی نوده های مسلح و نوده ها خواهند بود که تعیین کننده اصلی سرنگشت جنگ خواهند بود. جنگ به "بن بست" رسیده است چون از یکسوارتنش تجاوزگر بعثت نمیخواهد با وارد شدن کامل در شهرها خود را درگیر جنگ نوده ای مردم مسلح کند و تا زمانی که نهرها به "تخیر" در نیامده اند محبت از "بیرونی" حتی بطور نسبی هم بی معنی است. و از سوی دیگر با سیاست "اتکاء بر ارتش" که سر رهبری جنگ از سوی ایران حاکم است قادر نیست که نیروهای تجاوزگر عراقی را از خاک کشور اخراج کند. حکم نه این معیابه "بن بست" کشنده شده است.

ولی آیا به "بن بست" رسیدن جنگ، "عدم قدرت" و سواناشی "ایران برای اخراج

کامل نیروهای تجاوزگر نسبی بحاطرات است که از نیروی مادی کافی برای انجام این امر مهم سرچوردارست؟ و آیا اسکله از نیروی مادی واقعی و معین کسده در جنگ استناددهی -

گرفته؟ اما این "عدم توانایی" و قدرت "بحاطرت" ضعف "بنیه" انقلاب ایران است و با بحاطرت ما با ما کم بروجگ؟ معنای دیگر آیا این امر بحاطرت "بن بست" معنی واحساب ما پذیراست یا "بن بست" است؟

* دوماست در مقابل بیس برده متاثر به با تجاوز آمریکا بی اثری بعضی بیس گذارده شده است.

اولی - سیاست عالی - معنی سیاست "اتکاء بر ارتش" سیاسی که میخواهد جنگ را بطور "کلاسیک" ارتش در مقابل سل ارتش بیس برده، سیاسی که برای بیس برده جنگ شدی سر روی اساسی بلکه "تکسک بیس برده" بکبه می - کند، سیاسی که ما ما بیس برده را انقلابی بوده، مردم بلکه اما ما "تخص" و "سپارت" در فن نظامی گری تکیه دارد و... تجربه، بکما هه، جنگ ورشکستی این سیاست را بمنصه ظهور رسانده است. ولی این سیاست هنوز عالی است. **کاپیا** - سیاست معلوب یعنی سیاست اتکاء بر توده و نیروی مسلح نوده ای، سیاسی که بر پایه این اعتقاد اصولی ساخته شده که دفاع از یک انقلاب، فقط بوسیله جنگ انقلابی میتواند صورت پذیرد، سیاسی که بر پایه این اعتقاد اصولی ساخته شده که در جنگ انقلابی، تمسب کننده نه از جنگی بلکه استانی هستند، سیاسی که بر پایه این اعتقاد اصولی ساخته شده که بررکتزین نیروی

مادی نه در نا بکها و توپها، بلکه در نوده های مردم می مرکز کرده است. این دو سیاست در مقابل یکدیگر قرار گرفته است!

تجربه، بکما هه، جنگ ورشکستی سیاست اول و درستی سیاست دوم را بوضوح ثابت کرده است! این ارتش نسود که ما نا بکها و توپها بیس (از حاسهای بی فرماندهای که برخی از فرماندهان ارتشی مرتکب شدند، مسکدریم) جلوی بیس روی ارتش تجاوزگر و در خدمت امپریالیسم بعثت را گرفت. در مواقع حاس و تعیین کننده فقط شهادت و رشادت سوده های مردم، پاسداران، اعضای سنج و سربازان میهن پرست بوده است که با سک نریس و ساده ترین اسلحه ها چون ز - ۳ و کوکشل مولوتوف و سرازنی پیشروی متجاوز بیس یعنی را سکرده اند، به تجربه حرمشهر و آبادان نگاه سیاسی بیندارید تا ببینید که سیاست و کد امین راه بیس روی آفرین است و حرمشهر را بیس حوسین شهر بدل میکند!

همه، امپریالیستها از این میهراسند که جنگ از سوی ایران حطت یک جنگ نوده ای بخود بگیرد، و ارتش تجاوزگر عراق عملاً از درگیری با شتووت های نوده ای مسلح اجتناب میوزد و بدین منظور هیتلر ما با نیت روی آتش توپخانه و موشکهای خود برای کوبیدن شهرها و با اصطلاح "تظهِیسف" روحیه مردم مشغول است. و سیاست غالب بر جنگ نیه از بر راه انداختن یک جنگ نوده ای حراسناک است، و در حقیقت و در نهایت دست دشمنان را بازی میکند. از مسلح کردن توده مردم خودداری میکند، از اینکه توده مردم از انقلاب و میهن خود دفاع کنند بیس دارد و از آن جلو میگیرد چسبون خود را تسلیم مردم میهراسد. نتیجه این سیاست ورشکسته

در نهایت هم بنا بودی انقلاب و هم بنا بودی پیش برندگان این سیاست خواهد بود. بیستیدیک جوان اهوازی انقلابی چگونه این اوضاع جنگی را ارزیابی میکند:

"... امروز صبح بسا جوانی که بیگانش را در صبح سربس گذاشته بود بیس به گبر و شهر را (اهوازا) ترک کند صحبت می کردم. بدون ذره بی و اشعه محش میداد و ارمانا با بیس را میکت ما را گت بسته، دست و پایمان را در رجسر گذاشته اند و گذاشته اند جلوی توپ بعضی ها... میگفت چند بیس ما به یاد از... مراجعه کرده ام، میگویم برادر من که این است که من مال این شهرم، من میخواهم از شهرم دفاع کنم. خانه ام را میدانید، کارم را میدانید، شناسنامه ام را به گبرید، سند خانه ام را بگیرد، یک تفنگ به من بدهید، رسیدن راهم بگیرد و بگذارید من از خودم و برادرم دفاع کنم. از شهرم دفاع کنم. اما نمی دهند... وقتی هیچ کاری برای دفاع از شهرم نمیتوانم بکنم، چرا با من تا خمپاره تکه تکه ام کند؟" آیا کسانی که توده ها را مسلح نمیکنند، به سیاست هیتلرمانا با نیت اشاره بعضی کمک نمی کنند؟ به نمونه ای دیگر از همین اهوازی توجه کنید: "یکی از مردان محل میگفت که سراغ پاسداران رفته است و گفته که لا اقل یک تفنگ به من بدهید که وقتی عراقیها آمدند و به خانه ام تجاوز نمودند، آنها که چیزی برشان نمیشود ممکن است قصد تجاوز به ناموس زنم را داشته باشند، ما این تفنگ در درجه اول بتوانم آنها را بکشم و وقتی تیرها به تمام منم زنم وجودم را بکشم تا این سنگ گریبانم را بگیرد، ولی جواب مثبتی نمی شود." (سرده و نمونه از گزارشات عینی خبر - نکاران با زمان ها) آقایان

آیا شوروی ...

نخستین شماره اول

خاک ما دارد ایست که حکومت ایران برای با مصلاح بحالت خود از شر این جنگ تخریبی سه همسایه قدرتمند شمالی خود متوسل شود و در آراء کمسک تبلیغاتی و حمایت سیاسی و

سلطنتی و هندستان داخشیان را فراهم میساخت. سپس این حکومت پوئالی با بریتانیا خفته شدنش توسط بکرشده دول ارتجاعی و امپریالیستی و سایشیانی نظامی ایمن دول با بدحکمت داخلی مرتجعانهای را شیوه تراکوی فاشیست در اسپانیا علیه انقلاب و اساس رژیم جمهوری در کشورها آغاز میگردد.

ولی دولت امپریالیستی روس نیز که دارای مواضع محکمی در اقتصاد و ارتش و هیئت حاکمه عراق بوده و هست در برابر خود شدن این جنگ ماضی را برای خویش تشخیص داد. زیرا شوروی ها که با حضور اقتضای، نظامی و داشتن آبادی خود در حکومت عراق نمیتوانند از مقام مدیعی ها و هندستان ایرانینان در عراق بی اطلاع باشند، از مدتها قبل و همانند آمریکا به قصد انقلاب حاکم بر عراق بعنوان وسیله ای برای اعمال فشار بر حکومت شویای خمینی، مینگرستانه اند. تپانی و زدوبندهای میان دارو دسته های قاسلموور غنی بلوریان با حزب مزدور بعثت عراق، که تا این اواخر بنام و احزاب دموکرات کردستان و اکنون بنام جناحهای مختلف همان حزب برای پیشبرد مظاهر امپریالیسم روس در غرب ایران حورقیمی میکنند، نمیتوانند بدون اطلاع و توافق اربابان روسیشان، این مسلح کنندگان رژیم سفاک بغداد، صورت گرفته باشد. انتظار حدائقی که دولت شوروی از ما - جراحی نظامی رژیم بغداد در

ندمی خود را به کشور ما بطور کامل هموار و برای خود را در این کشور محکم گردانند. طبیعتی است که به مجرد کشیده شدن این امکان و اطمینان به آن، دولت بسه اصلاح فدا سپریا لیست روس

کاملا آماده است که از مواضع با مصلاح بی طرفی کاذب کنونی خویش دست کشیده و از مصالح خود در عراق در شمال لقمه بسیار چربتر ایران موقتاً صرف نظر کند. بیپوده نیست که دولت جهانخوار، یعنی آمریکا و شوروی، که مدتی بر اثر مسئله افغانستان راه قهر با یکدیگر را در برین گرفته نشستن در کنار یکدیگر را تحریم میکردند - مجرد برافروخته شدن آتش جنگ تجا و زکارانه عراق علیه ایران نورا برگزاری شست عصب استفاده سالت را تجدید کرده و از زبان وزیر امور خارجه خود در نیویورک متفقا "بی طرفی" و "عدم مداخله" در دراز جنگ ایران و عراق اعلام میکنند، یعنی تلویحاً رها بخت خود را از بروز چنین جنگی بدست یک دیگر میسازند.

بلاوه همانطور که پیشتر متذکر شده ایم دولت شوروی در گسترش جنگ تجا و زکارانه عراق در غرب و جنوب کشور ما یک رغابت دیگری هم دارد در آن تحت الشعاع قرار گرفتن مجرای اشغال افغانستان توسط ارتش شوروی در سطح بین المللی است. اکنون تجا و زکساران شوروی تحت پوشش عریده های مدام حسین در غرب کشور ما انتظار آن در سطح جهانی با خیال راحت جنگ استعماری خود را در افغانستان با دمیر - ندوبه تصور خود صدای آزادی - خواهانان ملت قهرمان افغان - ستان را در انزوا حقه میسازند. بیپوده خبر ده که دولت اشغالگر روس تقریباً در آستانه تجا و ارتش مزدور بعثت به خاک ایران بر تعداد فوای اشغالگر خود در افغانستان تا دوسرا بر - ورود و از رژیمهای تحم

الحما به خود در بین جنوبی کوبا و ویتنام، که هم شیوه نا - جواسر داده ای به انقلابات کشور خویش خیانت ورزیده اند. برای همکاری در سرکوب جنبش آزادیبخش مردم افغانستان یاری طلبید.

حرکت بیوزات هم در دولت شوروی و آمریکا، که آنها را میتوان دو قدرت شمال و جنوب کشور ما نامید، در قبال جنگ عراق با ایران واقعا "جالب توجه است و نمونه کلاسیکی از چشم و هم چشمی دول استعماری سطره جورا که بسه حکومتیای کشورهای واپس مانده و "ضیف"، اعم از مستقل یا وابسته، بعنوان مپره هائی بر صحنه نظرنج میگردند، به دست میدهد. دولت شوروی در هتده اول تجا و زعراق به ایران به موازات رمت و آمده های فرستادگان آمریکا و تماسهای بنیانی آمریکا با عراق، هیئت اعزامی صدام حسین را میسیدیرد و برای ایجاد تسهیلات سیاسی نظامی خود با عراق یک هیئت نظامی به اردن آمریکا شسی اعزام میکند. همه میدانند که اردن در این زمان به پشتکسای نظامی عراق تبدیل شده بود و رژیم مزدور بغداد به استغاه از سرودگا های نظامی این کشور و همچنین دریافت محمولات نظامی خویش از راه بندر عقبه، که از شوروی و دول اروپسای شرقی برایشان ارسال میگفت، ناچار شده بود. البته دیپلما - تپای روس و نوکران شوروی در ایران چاره ای جز این که اخبار مربوط به کمک تبلیغاتی دولت متبوع خود را به عراق کسذب محم و تبلیغات خبرگزاریهای امپریالیستی غرب قلمداد کنند ندارند. آنها شاید انتظار دارند که مردم ما این اخبار را تنها اربابان سحنگویان دولت شوروی، که هرگز در باره مدام - حنه نا جوان مردانه خویش در این جنگ اعتراف نخواهند

ندیده در صفحه ۱۱

زندگی این کوتاه ولی پرنهر بود!

در روز سهم مهر ماه ۱۳۵۹ *
 سا رمان ماکی ارصادی ترین،
 موسی موسی ویا و فاسر...
 سا ران خود را از دست داد. رفیق
 محمود کرکیور، رفیق حسان
 در سنگلاب ما بود. ولی رفیق
 موسی بود که همواره به آزادی
 رحمگان در بربرجم خویشین
 کموسیم اسفلاسی می آمدند
 و سراسر مایر جان میسرش را
 فدای آرمان مقدس نمود.
 شهید محمود کرکیور هکامی
 که تا رم خط اول حبه حک بسا
 اسرار معنی در خرمشهر بود،
 سلب اصابت ترکش حیاره سه
 سرش در دم جان مسیارد. باد
 و راه پرامسحار رفیق شهیدار
 دست رفنه مان الهام بخش
 ما سداگان خواهد بود!
 زندگی شهید محمود کرکیور
 گویا ولی پرنهر بود. بر سنگ
 مرارتن فقط سواستند ۲۹ سال
 را حک کند. رفیق را در قم دهن
 کردند. ولی وی آر آن چنان
 محوسینی بر جوردار بود که سه
 سیاری از دوستانش از شهر
 ساسهای محلف در مراسم
 بدین شرکت کردند. غم درد
 باکی دل همه، رفقا و فامیل را
 سترد چرا که وی از نجمتینی
 والا بر جوردار بود. میریاسی
 و ماسب، صداقت و ار خود کند
 سکی اش همدرا، از کودکیان
 چند ساله تا پیران خانواده همه
 حموس رفقاییش را، تحت تا شیر
 خود داشت. او بقدری صادق و
 مهربان بود که هر کس چند لحظه
 ای با او نشست و برخاست کوتا
 هی دانت، عمیفا شیفته اش
 میکردید. آنقدر مهربان بود
 که مادرش، داغ دیده و لسانی
 استوار، میگفت "می دانم
 چطور محمود با آنهمه مهربانی
 ما مرند سبک سبک بکیرد و کسی
 را نکند!" آری فقط آنهایی

که محدود و صفا نندنی به آرمان
 انقلاب و آزادی عشق میوروند،
 فادرند کینه ای عمیق از دشمنان
 سریت بدل بکیرد و با تمام
 توان در این راه نندک سسه
 آغوش بکنند. مراسم خاکسپاری
 رفیق دردناک بود، خانواده
 و رفقاییش انتظار داشتند در این
 گونه "مراسم" شرکت کنند، آخر
 او میخواست در همین چندروزه
 ازدواج کند، چه زندگی ها وجه
 عشق هاشی که تا بدید پرنهر
 تا عشقی بررگتر، عشق بسسه
 آرمان انقلاب و آزادی بشریت
 ثابت کرد دورندگی به سر در
 فدای اسفلاسی تحقق یابد!
 در مراسم خاکسپاری اش،
 مادرش سخت میگریست، آخرا و
 فرزندش، آنهم این چنین فرزند
 برومندی را از دست داده بود.
 ولیکن روحیه این شیرزن همه
 را تحت تا شیر قرار داده بود.
 چه اشعاری که در وصف فرزند از
 دست رفته اش نمی خواند، وجه
 حربیا و دانتا نهایی از مهربان
 نی ورنادت وی تعریف نکرد.
 او همه را دلدار می داد موسی.
 گفت ثریه نکنید! محمود خودش
 میخواست، او با خواست خودش
 چنین شد. میگفت محمود هر
 وقت از خارج نامه مینوشت از
 مادر می پرسید: "مادر چقدر تا از
 سجه های راهور داری؟" (محمو
 ۷ برادر دیگر دارد) و هنگامی
 که مادر جواب میداد "همه آنها
 را!" محمود جواب میداد: "چرا
 هیچکدام هنوز شهید نشده اند؟"
 مادرش تعریف میکرد! میگفت
 وقتیکه از خارج بازگشت پرسید
 "گرفت را تمام بکرده چرا"
 آمدی؟ "واو گفت" تو که
 هیچکدام از سجه های است را در راه
 انقلاب ندادی، من آمدم که
 چنین کنم!" مادرش با افتخار
 میگفت "محمود شهید نشد،

شهید!" و با شعرا داده میداد
 "تو که همین چند روز پیش سه
 رحمی ها چون دادی، آن کامی
 سوذک این با راین چنین جان
 دادی!..." چه جانهای عزیز
 و خوشبختی باکی که در راه این
 انقلاب با بدنتا زکرده تا شا هد
 پیروزی باشیم!
 مادر هنوز ۷ برادر رفیق
 را داشت، ولی انقلاب هموز
 چون میخواست برادر کوچک
 محمود، احمد، وقتیکه برای
 مراسم تشییع جنازه، برادر
 بزرگتر می آمد، موردا ما بست
 خمپاره قرار گرفت و شهید شد
 برادر پیوست! چه خونهای پاک
 وجه فرزندان رشیدی این مادر
 در دامن خود پروراند!
 رفیق محمود کرکیور در
 آذر ۱۳۳۱ در خرمشهر متولد شد
 گزیدید. وی در خانواددهای
 نسبتا مرفه پرورش یافت بعد از
 اخذ دیپلم و پایان خدمت نظام،
 برای ادامه تحصیل عازم آمر
 یکا میشود. رفیق به مجرد ورود
 به آمریکا با جنبش دانشجویینی
 خارج و کنفدراسیون محلی و
 دانشجویان ایرانی (برای حیات
 سازمان واحد جنبش دانشجویی)
 آشنا میگردد و مشتاقانه سه
 فعالیت سیاسی مشغول میشود،
 رفیق سرعت خمیره انقلابی
 خویش را آشکار ساخت، در طول
 انقلاب به شهر خویش (خرمشهر)
 بازگشت. زمان بازگشت او با
 انشعاب در درون اتحادیه سه
 کمونیستهای ایران مصادف
 میگردد. وی با برخوردی انقلاب
 بی کجروان را محکوم و با انتقاد
 به گذشته سازمان، از خط
 مشی انقلابی آن به دفاع برخاست
 ست. خط مشی ای که رانجام
 هستی خود را هدایت کرد!
 رفیق در طی فعالیت پر

شورش در خرمشهر با رها شهید به
 دستگیری وزندان شد، که سبک
 با رفیق ساختار فعالیت انقلابی
 به زندان افتاد، رفیق پسر
 شورا نه در جنبش خلق عرب کسه
 توسط مدنی خاشن مرکوب میشد،
 شرکت فعال داشت.
 رمانیکه اسرار معنی در
 پی توطئه امپریالیستهای آمر
 یکایی برای درهم شکستن
 انقلاب و اسارت میهن عزیز،
 نجا وز وحشیانه خود را آغوش
 کردند، رفیق با توجه به آشنا
 بی اش به فنون نظامی سریعا
 مسلح شده و بدفاع از انقلاب
 و میهن برمیخیزد. در سپهر
 مهر، بهمراد عده ای ار هم سنکر
 اش برای صرف غذا سجا به میروند
 و گویا قرار بوده که ساعت ۴
 دوباره به جیبه بازگردند. وی که
 شدیداً تحت تا شیر شهادت یکی از
 رفقاییش (شهید مجید هواسی)
 بوده است، برای بازگشتن به
 سنکر از خود بی تایی نشان می
 دهد. حوالی ساعت ۲ بعد از ظهر
 با اسلحت از خانه خارج میشود
 با عده دیگری قصد رفتن به سرز
 می نماید. رفیق همراه چند تن
 از دیگر رفقا مشغول تعمیر باتری
 از کار افتاده ماشینی که با آن
 قصد رفتن به سرز را داشتند بود
 شد که موردا اصابت ترکش خمپاره
 قرار میگیرد و در دم جان مییاب
 رد!
 رفیق بدین سان سه
 کاروان شهیدای راه آزادی
 و استقلال ایران عزیز پیوست.
 جای او برای همیشه در میمان
 رفقاییش خالی خواهد بود، ولی
 یادش و آرمانی که بخاطرش شهید
 گردید الهام بخش همه ما خواهد
 بود!
 ما در اطلاعیه ای که بمناسبت
 شهادت رفیق منتشر کردیم، ۱۰
 مهربانان را تشبیهی ذکر کرده ایم.

هر روزی بر جبهه

بعد از صفحه ۲

باید دانست که یکی از تملی که عراق توانست در ایران نمود کسوداشتن جاسوس و با ملاح یک ستون پنجم در حورستان است. در حرمشهر تا کنون چندین جاسوس ایرانی

را، که برای بعضی ها کار می کند، گرفته اند. این جاسوسان مواضع حساس و حرجانی را که ارتش، سپاه و با مهمات مستقر یا شبانی میم به اطلاع دشمن، میا جم میرسانند و در نتیجه بعضی های مهاجم بعد از چند ساعت آن مواضع را بیسبب حمله یا راکت می بندند. عده ای از این جاسوسان نیز شب ها با چراغ قوه به دشمن علامت میدادند که مردم آنها را دستگیر کرده و تحویل سپاه دادند. ولی برخی از انتظار رژیم خائن بعث و کدشور میکرد که مردم عرب حوزستان بخاطر عربیت و همچنین جنایات نژادپرستی مدنی خائن به هم کاری با دشمنان ملی و مهاجم میهن خویش کشیده خواهند شد، بوده های عرب ملت ما قاطعانه در برابر میا چمان بیعت ایستادگی نشان دادند. ارتش مزدور بعث محلات عرب نشین حرمشهر مانند مولوی و کوشیخ را چند بار مورد حمله قرار داد و کرده های عرب این محلات دلیرانه در خانه و کانه خویش به دفاع برخاسته و با مقاومت خویش نفرت و انزجار خویش را از مدام خائن و ارتش مزدور وی ابراز داشتند. یکی از علل شکست مدام حسین و اربابان در طرح اولیه شان، که سرور میکردند با یک جنگ سرق آما حوزستان را سرورده مسه تصرف در خواهند آورد، غلبت از آب در آمدن حساسها نشان در باره، خلق عرب حوزستان بوده است.

در باره، نقش ما را سبای

کی نشان دهد، ولیکن بعضی پیش گفته این ایستادگی در لحظات حساس جای خود را به یک روحیه یا ختکی در میان درجه داران و سر باران داد، بطوریکه دسته هایی از ایشان راه فرار پیش گرفتند و با در کوجه ها مشغول پریدن بودند و در نتیجه بخشهایی از شهر بدست مزدوران بعثی افتاد. ولی با حرکت قهرمانانه، توده های خیر و جوانان ملح و رشادت های ستایش انگیز با سداران دستهاشی از سربازان و درجه داران سیزده جنب و جوش در آمده و شهر مانی های بی نظیری از خود نشان دادند. این وضع نشان میدهد که فرماندهان ارتش، که اغلب با بخاطر وابستگی های کدشده شان کارشکنی میکنند و با اصولا تربیت شدگان دوران صلح هستند، بهیچ رو با وضعیت جنگی کنوسی که ایمان و شوقی وطن پرستی و رشادت و از جان گذشتگی و همچنین نظم و انضاط جنگی (ونه نظم و انضاط سرای رژه رفتن) میطلبند، مناسب ندارند و با بی تدبیری در میان آنها تغییر و تبدیلات جدی صورت گرفته و بخصوص در شرایط حساس و حاد کنوسی سر آنها کسورل و انضباطی قاطع اعمال نکردند. اکنون برای بار دوم (هفته چهارم جنگ) شیر حرمشهر شاهد تجاوز و قوای مزدور عراق و قهرمانانی و حمله آفرینی مردم دلیر حرمشهر میباید، و بدون شک جوانان عبور حرمشهر و گروههای مسلح مردم اینبار سیزده را پس جنگ تن به تن و رودر رو با دشمن میا جم پرور بیرون خواهند آمد.

سیاسی در جنگهای حرمشهر، با بندگت که به جز خود ما (اتحادیه کمونیستهای ایران) که با نیروی کم خود هم در پشت جبهه و هم در خط اول جبهه فعال بوده ایم، ما هدایتی و همچنین جناح اکثریت مدانشان خلق در محالیه های دفاعی شهر و در جنگ شرکت داشته و در چند مورد در جبهه جنگ دیده شده اند. بیشتر نیروهای ما هدایتی در شهر بوده و فعالند.

از افراد حزب هوچی توده تنها چند نفری در شهر هستند، که البته میباید نیستند و بیگانه در شهر میسرند.

از جریانات انحرافی که "جپ"، "پیکار"، "جساح" اقلیت "جریکهای هداشی" و "گروه کلسرچی"، در ابتدای عده ای وجود داشته اند که در یک محل جا در زده بودند و طبق رسم همیشه ایشان دور هم جمع شده و بحثهای روشنفکرانه میکردند. اما بعد از آنکه موضع ضد انقلابی و ضد ملی "پیکار" و سایر جریانات مزدور در باره، ملت هیت جنگ و غیره روشن شد، چادر خود را جمع کرده و همگی شهر از دوسه نفرشان که بیگانه در شهر بر سره میزنند).

مختصری در باره فعالیت مادر حرمشهر: اعضاء و هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران از همان آغاز جنگ تجا و زکارانه عراق علیه ملت ایران قاطعانه از سیاست دفاع انقلابی و نوده ای و شرکت در جنگ مقاومت ملی پیروی کرده و در آستانه حملات بعثی ها به شهر تمسیر و تبدیلاتی در تشکیلات خود سه وجود آوردند. آنها در همه فعالیتهای تدافعی شهر از قبیل تشکیل و تملیح جوانان، سنگربندی، خندق کنی و تهیه وسایل عمومی دفاع و همچنین کارهای امدادی شرکت جسته و همچنین طبق ضروریات جنگ وارد همکاری نزدیک با افراد

سیاه شدند و اعتماد بسیاری از رزمندگان مدافع شهر را خود جلب کردند. رفقای ما با رهسار در خط اول جبهه ترک جسته و چنانکه تا بسته، یک کمیونس است با ارتش مزدور عراق و تا نگیهای آنها به نبرد برخاستند. در جریان حملات و حمله های مزدوران بعثی یکی از رفقای ما سنا م محمد کرک پور در باره از صفای حرمشهر اینرا اما نیست حصاره به نجات رسید. برادر این رفیق بنام احمد کرک پور سیزده در جریان حملات بعثی ها به شهادت رسیده است. همچنین رفیق مجید اهوازی نیز که از همسواران اتحادیه کمونیستهای ایران بود اینرا اما بت خمیساره، مزدوران دشمن به کساروان شهادت ملت قهرمان ما پیوست.

اهواز بیشتر است که از نخستین

حملات هوایی عراق به اهواز، میگردد. از همان روزهای اول شور عظیمی مردم شهر را فرا گرفت و مثلا در دیوباری که در هفته اول مرود کاه و انبار مهمات مورد حمله دشمن واقع شد، دسته دسته از مردم آن نقاط هجوم آورده و جان غلیانی از خود نشان دادند که کوشی می حوا بستند با شت خالی و تجمع توده ای خود میکیهای عراقی را بترسانند. حدود روز چهارم را دیوا هوا را علام کرد که ۲۵۰ تا تک از مرز گذشتند و در ۴۰ کیلو متری اهواز بند و همچنین از مردم شهر خواست که برای مقابله با آنها تا نکا آماده شوند، کوشی موشولوتف با رند و غیره. پس از آن توده های اهوازی با شور و شوق و یک نوع بی صبری به کوجه ها و مساجد هجوم آوردند. بهیچ سزین ها برای گرفتن سزین و به کاراها برای سه دست آوردن روغن سوخته و غیره دویدند و با همراهی و یساری انقلابیون (از جمله خود ما) به

بقیه در صفحه ۷

و حتی بنی صدر کشت که جریسان نفوذ و پیشروی ۲۵۰ تا تک عراقی دروغ بوده، حال آنکه بعداً معلوم شد که کاملاً راست بوده است. این جریان تا ششمین روز مئی برده مردم کدناشت و

هزاروی بر حبه... بغداد از صفحه ۶

ساختن کوکتل و دیگر وسایل دما می بر خاستند. روز بعد در و دیوارها اردستورهای ساجش کوکتل و سدرای و غیره و راه - نماشی های دما می بنا میهای جوانان فلان محل و یا مسردم بهمان ناحیه پرند. همچنین فعالیت گسترده ای برای جمع آوری دارو و تشکیل کمیته های اسناد با کمک نیروهای انقلابی و مساعد صورت گرفت. البته در این زمان هنوز ما جدی نامه ای نداشته، هنوز اخبار از طریق ستاد رهبری و نشر انتشار نمیامت و همچنین حده بورژوازی شهر تا حدی دست و پایی را کم کرده بود. در این میسان تعدادی از مناطق مسکونی اهواز هدف بمباران های دشمن میاند جمع راکت و تعدادی کشته و تعداد بیشتری زخمی بجا گذاشت. تعداد زیادی از اهالی مرفه و شریف و شهر و همچنین از کارمندان راه خروج از شهر را در پیش گرفتند، و البته کلسی تبلیغات منفی از سوی مخالفان بهمان انقلاب نیز در ایستگاه رمیه تا شهرات سوئی داشت. لیکن نوده زحمتکش شهر و جولتان عبور اهواز فوراً به کسندن پناهاها و خندقهای ضد تانک و ایجاد سنگر پراکنده و برای دریافت اسلحه به معاجسد روی آوردند، که البته تنها استعداد از سلاح شخصی، توسط کسانی که در اختیار داشتند، آزاد اعلام گشت.

پس از آمدن بنی صدر به خوزستان یک نتیجه اش این بود که از آن پس دیگر خبری بدو اجاره ستاد رهبری بخش نگردید

آنها از آن پس با بی اعتنادی به اخبار را دیو بر خورد میکنند. البته در این میان هنوز مردم اهواز از ادامه به کمک پاس - داران و سربازان ساجینه می - رفتند، به یاد کاسها می رفتند و در حمل مهمات یاری می رسد.

سند خا منهای و جسران با به شهر نهادند. اینان کور - شیدند تا بر افرادی که به کمک مساجد و بسیج تعلیم میدیدند به سپاه نفوذ کمونیستی آنها کنترل بوجود آوردند. از این پس ستاد هماهنگی مساجد بوجود آمد و اعضای گروههای ۲۵ نفره و داوطلبان رفتن به جبهه باید به تاشیدان جمع اسلامی و مسجد محل می رسیدند. همچنین ستاد معنا و ستاد داد جبهه سیلی بتدریج بر جبهه شد. ولی اکنون طبق گفته سربازان و پاسداران افرادنا مسرده در کار ارتش و سپاه پاسداران کار شکنی خاصی میکنند و جبهه ای کوشش در ایجاد هماهنگی دسته - هائی بر سر خود کردند آورده و بیشتر بی فکر تفاق استامعنا - و مت در برابر دشمن مشترک. در این هفته ها حملات مداوم هوایی و توپخانه ای ارتش مزدور بهشت هرگز نتوانسته است در شور و اراده مردم برای دفاع از انقلاب و کشورشسان تا ششمین روز بگذارد و تنها تا - رضائی عمده جوانان و نوده - های زحمتکش شهر همینطور در زهرخلات دشمن معطل ماندن و عدم تشکیل و تبلیغ اهالی می - باشد. خیلی جاها دیده شده که آرزوی مردم این بود که مسلح

نوند و اجاره داده شود که برسد و رود روی دشمن بکنند. شپا به گامان عجا ربیایی از بسیار مهمات احوار (۱۷ مهر) که ابتداء کسی از مردم خیر از میبنا و منبع مداهای میبب آن ندا - شت و مسجد جامع شهر نیز اطلاعات کاذب و نا مربوطی بخش میکرد، هول و هراسی را بتصور غافلگیر شدن در برابر هجوم دشمن در شهر باعث گفت و نلی بعد مسائل - روش شد و حالت عادی دوباره بوجود آمد. تعداد زیادی از مردم هم که از شهر کوچ کردند بودند پس از مشاهده همه گیر بودن جنگ در خوزستان دوباره به اهواز بازگشتند.

روز بیست و یکم بهر سراسر حمله هوایی عراق بخشی از پل سفید اهواز آسیب دید ولی هم - چنان قابل استفاده است. همچنین روز بعد توپخانه بعضی ها اهواز را بریر آتش گرفت، و در همان زمان در کیر به پای شید آبادان و خرمن شهر آغاز شد تا کنون تلفات زیادی بر سر نیروهای مزدور دشمن مهاجم وارد آمده است.

چیزی که سربازان و هم - چنین پاسداران از آن نا - خوشنودند و دشمنان نیز از نا راحتی میکنند همانا عدم هماهنگی در میان قوای مسلح و کار شکنی های موجود در سطح فرماندهان ارتش میباشد. مهمات دیسر می رسد و طبق گفته سربازان استفاده لازم از توپخانه و هم - چنین جنگنده های هوایی برای ضربه زدن به توپخانه دشمن و ویران کردن مواضع آنها از راه هوایی میشود. البته در شب ها شبخونیهای قهرمانانهای از سوی گروههای داوطلب مسلح و پاسداران به مواضع دشمن صورت میگردد. هر گروه معمولاً مجهز به سلاح ضد تانک، نارنجک، مسلسل سبک و ز - ۳ بوده و هر - بار تعدادی ارتوپها و تانک های بعضیها را از زمین برده و البته تعدادی از اینان هر بار بدرجه شهادت میرسند. این

جا سا زینها نقش با رزی در حفظ روحیه مردم و تشویق جوانان به ادامه جنگ با مزدوران مهاجم عراقی دارد.

یک نکته ای که مؤکدا باید گفت که سایه نا راحتی و تشویش مردم است نبودن تشکیلات و فر - ساندھی منظم و یک دستگا و خبر رسانی بی غرض و عرض در شهر - میباشند. سلاح بدست همه افراد داوطلب و مبارزان میدهند، و معاملات عملاً مردم شهر را بیازی میکنند. یک سوخ گنتسیرل شندی، در شهر وجود دارد، کسه اگر چه تا حدی برای کشف و دست گیری جا سومان سمت که از موا - مع خودی به دشمن خبر می رسانند لازم است، ولی به همت انصار طلبان و ایادی حزب جمهوری دمان انقلابیون راهم بگیرد همچنین به یک سوخ نارضایتی در مردم دامن میزند. با اینحال مردم روحیه میهن پرستی و غرور ملی و ادارشان میمازند که در شهر همچنان مقاومت مانی باشند و جدا نوده های زحمتکش شهر و جوانانی که در همه محلات حضور دارند خواهان مبارزه اند.

در شرکت نعت هم یک ستاد رهبری تشکیل شده که نقش مشتی ایفا میکند. همچنین یک ستاد عشا پر هم وجود دارد. این ستادها با ستاد رهبری کل در این شهر مربوطند.

فعالیت نیروهای سیاسی نظیر شهرهای دیگر خوزستان (حرمشهر، آبادان و همچنین در فول) میباشد و رفقای علما (اتحادیه کمونیستهای ایران) نیز در همه زمینه ها فعالند و تا حدی که توانسته اند در سطح جبهه نیز فعالیت داشته اند. در این جا اعضاء جیش سلیمان مبارز (امت) نیز فعال هستند.

از انحراف کاران " چپ " بویژه عده ای بیکاری هستند که برای مدتی بطور نفرت انگیزی تبلیغ صلح (صلح بادشمن مهاجم) میکنند؛ بعضی عملاً هم زبان فدائیان کمونیست - بنفیه در صفحه ۱۵

تربیت موفقت ها را براساسی
گسترش و نبود ایده های استبداد
سی و مرفعی در میان توده مردم
می کشند وحدت و ادا مسی
انقلابان میباشند دست
داده است. واقعیت و شرایط

پیروان و مواضع ...

سای حاکم بر حاکمیت از
نخا و زحاک از نفاق و جسد
سنگی و سر خوردگی شدید قشر
های رور افروزی از توده مردم
ار سر نوشت انقلاب و رهبران
کشوری بود که شرایط را برای
اس سر خوردگی و نذا با زنگدا
نش راه توطئه های ارتجاع
سریگون شده و امپریالیستها
مراهم کرده بودند. تفرقه در
میان توده مردم، سر خوردگی
آثار ارسنجه و سر نوشت است
انقلابان و موج نارضا یستی
های اجتماعی - اقتصادی و
سای در واقع بدترین شرایط
برای نمود جریان انقلابی
در میان مردم و بهترین شرایط
برای گسترش ایده های ارتجاع
عی و توطئه های امپریالیسم
بود.

حال با چرخشی که در مسیر
تحول اوضاع منطقه و انقلاب ما
سوجود آمده نیروهای سیاسی
انقلابی می بایست موقعیت را
در با سد و از این شرایط کمال
استفاده را برای گسترش انقلاب
و جذب هر چه بیشتر نیروهای مر
دمی در جهت آن ببرند. توده های
مردم همواره بر مبنای تضاد
های عینی مقابلان به مبارزه
و انقلاب بر می خیزند و زمانی که
این تضاد ها به اوج خود رسیده
و یک موقعیت تاریخی بر سر ای
شکوفاندن این مبارزه بدست
آمده است، پیش از هر چه سر
پیشگامی و گرفتن ابتکار عمل
در دست نیروهای واقعا انقلابی
مختوانند و گوی نیازهای
عینی این مبارزه بوده و لندا
شده مردم سیر غلبه غم مسلک
و انگبره های طبقاتی شان ار

این نیروها به دفاع سر خواهند
حاست. چه در تحویل نهایی آن
نیروی قادر به رهبری توده
مردم است که بتواند با سخو
و راههای واقعی توده مردم
در جهت حل تضادهای عینی
مقابلان با تفسد.

اینکه رهبری توده مردم
حق نیروهای انقلابی است
موقعی مستوانند تحم عینی
با اینکه نیروهای انقلابی از
عهده و وظیفه خود سر آیند. بدون
انجام وظیفه، از مردم انتظار
داشتن که عده ای را جز رهبران
خود بدانند، انتظار نیست
ولذا کسی که از انجام وظیفه
خود سر بلند بیرون نیاید
نه حاق آنرا ندارد که داعیه
رهبری نماید، بلکه حق آنرا
نیز ندارد که خود را انقلابی
بداند. و این حکم برای همه
جریانات مدعی انقلابی بودن
رواست و بر هر گری هم ندارد.
برای یک جریان انقلابی بد
تر از سهل انگاری در انجام
وظیفه خود، آنست که انتظار
داشته باشد را رهبری کشردن
و شرکت در انقلاب را برایشان
باز کنند. و با انتظار داشته
باشند که شرکت در مبارزه شان
منوط به اجازه این و یا آن مقام
شود، و با اینکه انتظار داشته
باشند که سر راهشان را سد
نکنند و نیروهای انحصار طلب
قشری حتی در چنین شرایطی
خطبری دست از انگولک های
خود بردارند و سر جایشان
بنشینند!

روشن است که روی سخن
ما در اینجا با دوستان مجاهد
است که پیش از حمله به آزادی
سیاسی در چند ماه پیش که در
عین حال تروخنگ را با هم سو
راند، این دوستان از فعالیت
های عینی خود بندت گاسته و
تحت این عنوان که نمی گذارند
فعالیت نمائیم، حداقل قیل
در ظا هر کمتر هر میدا می کردند
با حمله تها و زکاران عینی
به صیبه ما، که به نیروهای
انقلاب در کشور ما تگان سخن

داد و آنان را در یک سیر متحد
قرار داد، دوستان مجاهد در
مناطق جنگی هم دوش با سیر
نیروها دست به فعالیت های تک
بیل توحی زدند و به دفاع از انقلاب
و صیبه ما برخاستند که در خور
تحسین و ستایش است. لیکن
در سایر شهرها که بنا بر فعالیت
شدید نیروهای انقلابی برای
سیجیدن توده مردم و متحد
کردن آنان در دفاع از صیبه
و گسترش انقلاب می رفت، ار
دوستان مجاهد آنچه انتظار می
رفت کمتر مشاهده شد، بنا جاشیکه
به حداقل تظاهرات سیاسی در سطح
شهرها رسیدند.

در عین حال و در شرایط
مترقی اسلامی چون "سازوی
انقلاب نو" قریا دگود نشین
که نمایانگر حرکت مشابهی در
میان مسلمانان مبارز است،
گرایش مشابهی بروز کرد که در
سر مقاله های این نشریات در
عرض دوسه هفته ای که از جنگ تا
عراق می گذرد، مشاهده می گردد.
آنچه از تحلیل این سر
مقاله ها بدست خواننده می آید
و با اینکه در طرح قضایای
مربوط به اصل قضیه جنگ ماهیت
طرفین جنگ، و خاصه علیت
اصلی درگیری و تجاوز عینی
های مزدور به خاک صیبه ما
سیار رنگ سخن میگوید، چنین
است:

- ۱ - تها و عراق به
ایران نه ناشی از یک توطئه
امپریالیستی، بلکه علیت
نا معلومی دار که آنهم مربوط
میگردد به تضاد میان دو دولت
ایران و عراق
- ۲ - نتیجه جنگ ایران
و عراق به ۴ مورد خلاصه میگردد.
الف - زمینه برای سو
استفاده امپریالیسم و آهم
بطور عمده آمریکا بدست میدهد.
- ب - جنبه پشتیبانان
فلسطین تصفیه میگردد و لندا
اسرائیل در کنار آمریکا از
جسمین وضعی سود می بسرند.
- ج - به خلفای محروم
تقیه در صفحه ۹

جریان درضال جنگ کورسی
 ولذا تعیین کننده وظایف ملی
 طبر این نشریات می باشد،
 مورد نظر ما است که ما بست مورد
 نقد و انتقاد قرار گیریم.
 چنین تحلیلی از جنگ
 که علت شروع آبرانه ناسی از

ده و در پی گسترش انقلاب نسا
 تمام عویش است مهمترین عامل
 مل خطرناک برای منافع خود
 در منطقه میدانند. ما در شماره
 انگیزه ها و پیش آمریکا در توطئه
 طشه مدافعان ایران که جنگ
 نجا و رگزارانه کسوفی سستی
 های عراقی طرفدار آن است
 در سایر مقالاتمان توضیحات
 کافی داده ایم و در اینجاست
 محدد: بدان نمی پردازیم.
 منعمین نظریات فوق الذکر
 با تحلیل ما درستی که از چگونگی
 یکی شکل گیری این توطئه
 و تا وزمدان انقلاب و سایر مسا
 دارند. طبعنا سست به نقشی
 که خود باقیانما پند منقل سر
 حورد کرده و انتظاراتی را که
 باید در این بین داشته باشند
 دارند. ایشان توجه نمی کنند
 که این جنگ که از سری ابسر
 قدرتها به ملت ما تحمیل شده
 است. به تنهایی نیست، بلکه
 در پشت و گسترش فکری و عقیدتی
 مردم ما در راه وظایف ناسان
 در سایر انقلاب و چگونگی پیش
 بردن انقلاب چه نقش مهمی دارد.
 وجه عرصه های مهمی را برای
 نیروهای انقلابی ایجاد میکند
 تا به آنگاه نماند توده مردم
 نسبت به رسالت و نقش نسان
 بپردازند و توضیح دهند که نیرو
 های گوناگون چه نقشی را در عمل
 تلرغم ادعاهای متفا و بی پایه
 ابقا می نمایند. مردمی که
 در طی مبارزه علیه دشمن اصلی
 و واقعی خود آبدیده نگردند،
 لیاقت حفظ پیروزی های کوچک
 و بزرگ خود را نیز نمیتوانند
 داشته باشند. این جنگ
 علیه تمام مزانهای مالی
 و جسمانی که برای آوردن طبیعتا
 جنگ بدون مصیبت وبدون "سفره
 های کوچکتر" نیز، تاریخ بخود
 ندیده، بزرگترین عرصه آزما
 بش و پرورش توده های ستم دیده
 خلق است. خود این دوستان نیز
 اذعان می نمایند که جالب است
 که درتهاجمات اخیر رژیم فا
 شیست عراق، ملت صحنه های
 از همسنگی و وحدت راه سانس
 گذاشت که تنها با داور میسا

رژات مداستادی گذشت است
 (برمقاله فریادگودشتیسن
 شماره ۶۳) و با یاد اضافه کرد
 که این نکته نه تنها جالب است
 بلکه بسیار هم جالب است و
 بهتر است نیروهای که مدافع
 انقلاب و پیشرفت آن میباشند
 بیشتر از جلب شدن توجه خودشان
 نسبت به این مسائل دست بکار
 شده و از این فرصت مفتهم سود
 برده و انقلاب را کامی بجلسو
 رانند.
 متاسفانه این دوستان
 با عمده کردن مبارزه ضد
 انحراف طلبی در عمل در مقابل
 مبارزه ضد امیربالیستی در
 حرف، این امکان کمک به
 گسترش نیروهای انقلابی در
 صفوف مردم و پیشبردن انقلاب
 را از خود سلب کرده و میکنند. نه
 برای مبارزه کردن اجازه نامه
 احتیاج است همانطوریکه خود
 مجاهدین خلق طی سالهای
 دراز مبارزه جزیه تعهدی که
 نسبت به خلق خود داشته اند،
 قید و بندی را برای خود ایجاد
 ننمودند، و نه اصولا "اجسازه
 دهندگان" اهل آند که اجازه
 تا مدای ما در نما بند، مبارزه
 کردن حق هر کسی است، لیکن
 یک انقلابی، اگر میخواهد
 انقلابی باقی بماند این حق
 را وظیفه خود و وظیفه خود را احق
 می دانند که به تازم مبارزه
 علیه انحراف طلبی در متن عملی
 مبارزه، ضد امیربالیستی می
 توان یافت. در کجا میتوان
 انحراف طلبان را واقعاً منفرد
 کرد جز در عرصه مبارزه کنونی
 خود توده مردم که در برابر دشمن
 خود قرار گرفته اند و خواهان
 شرکت همگانی و مخالف هرگونه
 انحراف طلبی هستند.
 بهر حال تحلیل غلط از
 اوضاع، رهنمودها و شعارهای
 غلطی را نیز پیدایشال دارد که
 وظایف مقابل یا نیز طبیعتا
 به یک حرکت انحرافی بسدل
 می گردد. تحلیل نادرست
 این جریان در مقابل جنگ
 کنونی را نیز میتوان از تائید
 بقیه در صفحه ۱۰

پیرامون مواضع...

باید در صفحه ۸
 توطئه های امیربالیستی بلکه
 اما با سه حرکت مدو جانسه
 دولت عراق مرسوم می کنند،
 بالطبع ابعاد و اهمیت واقعی
 این جنگ را کوچکتر از آنچه
 که هست جلوه می دهد و لذا نتیجه
 ای جزیکه برخورد غیرفعال
 نسبت به این جنگ می تواند
 مدست دهد. تنها نیروهای هوا
 دار این جریان به مقابلسه
 برای دفع تجاوز در آن نقاطی
 دعوت میشوند که صحنه اصلی
 سرد می باشد. در سایر نقاط
 این گرایش بصورت انتظار و
 نمایل به خانه و سرهم سدگی
 کردن جنگ نظا هر میکید، کسیکه
 این جنگ را با یکجانبه نگری
 تنها سود آمریکا میدانند، و نقش
 آمریکا را به نحوی در تحلیل
 های خود جای دهنده میشوند
 برافروزنده یکی از ارکسان
 جنگ نجا و زکا راه عراق و این
 توطئه حساب نمی کرده بلکه
 بعنوان نیرویی که طی ایسن
 جنگ مترصد "سوا" استاده است
 نمی تواند تحلیلی جز تحلیل
 نادرست و خطرناک فوق را بدست
 ندهد. جای شک نیست که آمریکا
 میکوشد تا از این جنگ "سوا" استفا
 ده کند. ولیکن این تنها بسک
 جنبه از قضیه و آنهم جنبه فرعی
 آن می باشد و نه کل قضیه. آمر
 یکا هم در تودین این توطئه و
 هم از نتایج این توطئه خود
 (که دول دیگری نیز شریکسان
 می باشند) شرمند و خوبیی
 است. آمریکا در درجه اول دشمنال
 آشت که انقلاب ایران را خفه
 کند، و ملت ایران را که سا
 داد و هزاران شهید توانسته
 است استقلال سیاسی کسب نمود.
 ایران و عراق چیزی جرمحرو
 میت بیشتر و سرفه کوچکتر نمی
 رسد. (سازوی انقلاب
 شماره ۲۹)
 ۱ - در این جنگ سرنده
 اصلی آمریکا است. (شماره ۲۹
 سازوی انقلاب)
 ۲ - صلح و آتش بس بسا
 تمید این نکته که نیروهای عراق
 طی ماهی به سرحدات گذشته
 خود بازگردند، بسفغ ایران است
 ۳ - موضع با سرعربان
 و جنبش فلسطین در برابر جنگ
 ایران و عراق می بر شریک
 محاصه (بدون دگر شرایط، که
 بالطبع نوعی خارج شدن نیرو
 های عراقی از خاک کشور ما را
 هم در سر خواهد گرفت)، درست
 و سرحق است.
 البته با کنایه گدا شنیدن
 سکری نکات فرعی دیگری که
 این نشریات عنوان کرده اند
 مانند سیاست خارجی ایران
 پیرامون اتحاد سیاستهای
 درست و غلط در پیشبرد جنگ
 (نکته بر نکند در سایر تمکیده
 سر توده مردم) که دارای جوان
 نب مثبت و درستی می باشد و
 نیز فرعی جلوه دادن نقش
 دولت شوروی که در واقع فرعی
 بوده بلکه ما بدیدون عمده
 کردن آن در برابر آمریکا خطر
 آن بطور جدی در محاسبات سیا
 سی انقلاب ایران منظور گردد
 و... که جوانب منفی این
 جریان را نشان میدهد بصور
 فوق بها نگر نقطه نظر انسی
 است که این گرایش سیاسی
 در میان مسلمانان مبارز نما
 بندی می نمایند. این تصویر
 فوق که ناشی از تحلیل این

نیزحزی جزا شده میرا لسم
و عوامل اجرایی توطئه های
آن نمی باشد. انتظار دارم که
انقلاب ایران سرهمچون خود
اودر قبال نجا و زانکار عراق کند
در مئی یک توطئه امیرا لسمی

پیدا کردن روابط

بسی موردی که نسبت به مواضع
نا درست یا سر عرفات در قبال
حک کنونی میان رژیم تجاوز
کر عراق به ایران انجام داده
استنتاج نمود.
قبل از هر چیز این سرا
بگوئیم که روش و برخوردی کند
برخی مخالف اسلامی حاکم
نسبت به مواضع و مواضع
اودر قبال جنگ کسوی اتحاد
نمودند. به مورد بحث و لزوما
تا پیدا است و نه در همین حال
این برخوردها به مواضع
توجه کرد مواضع نا درست یا سر
عرفات در قبال جنگ کنونی
مستواند باشد. بیشتر اینکه
ارزیابی از مواضع عرفات
و رهبری جنبه آزاد بخشن
فلسطینی نیز از مواضع انسان
در قبال مسائل مقابل بای
انقلاب ما آغاز نمی گردد. بلکه
تنها جنبش فلسطینی و تضاد های
مقابل های آنست که بعنوان
سازگار تحلیل از مواضع
رهبری جنبش فلسطینی باید
مورد نظر باشد. این امر به
معنای بی تفاوتی نسبت به
ما بر مواضع رهبران ایمن
جنبش و یا هر جنبشی دیگر نیست
بلکه سخن بر سر اصلی بودن
معیارها و زمینه ها برای ارزیابی
بایی هاست. بهر رو، سوال
این است که آیا مواضع اتخاذ
شده از سوی یا سر عرفات در قبال
جنگ کسوی از نقطه نظر منافع
انقلاب ایران درست و یا غلط
است.
اولین سوال این است
که چرا یا سر عرفات کند خود رهبر
جنبشی است که بر علیه غاصب
فلسطینی می جنگد، و غاصب

روش و رویه ضد انقلابی زده شد
توجه کنند.
"موضع گیری جنبش
تبرمان فلسطینی در قبال این
جنگ (منظور جنگ ایران و عراق
است) موید بسیاری از واقعیتها
میباشد کدام واقعات؟ که
میتوانند در بررسی نتایج جنگ
منفی و موثر باشد. آنچه که مسلم
است (چرا مسلم است؟) در بر
خورد با این جریان همچون
دیگر معادلات سیاسی حاکم بر
جنگ ایران و عراق (کدام
معادلات؟) نباید متنی بسا
ساده اندیشی قضاوت کرد و آنرا
در کادر یک معادله ساده مسرد
قضاوت قرار داد و بدون درک
عمیق و پیچیدگی تضادهای حاکم
بر منطقه و هویت انقلابی جنبش
فلسطینی دچار ساده اندیشی
شویم (وهمین) (مطالعه سب
داخل پیرانتزها از ما هستند
"حقیقت")
یا "در هر حال جنبش
فلسطینی در مقابل این جنگ
اظهار بی طرفی کرده است،
همچنانکه آمریکا شوروی نیز
اعلام بی طرفی کرده اند"
(البته مقاله نقش آمریکا را به
عنوان برنده اصلی جنگ تنها
در خارج صحنه جنگ نشسته و
منتظر و مترصد سودجویی است
توضیح داده اند، بدون آنکسبه
نقش شوروی را توضیح دهند)
و "موضع گیری جنبش فلسطینی
نیز جدای از این معادلات
پیچیده و حساس سیاسی در منطقه
نیست" و "آنها هیچ وقت مجاز
به اتخاذ موضعی نیستند که در آن
منافعی هر چند کوچک به ایمن
دشمن خلقیای جهان برسد."
سراسر مقاله فوق الذکر
و سایر مقالات مندرج در ایمن
نشریات مملو از این کلی بافی
های "دیپلماتیک" است که
گویا برای نگفتن حرفها
نوشتند. کدام معادلات
پیچیده؟ ساده اندیش ها کیا
نشد؟ چگونه ساده اندیشی می
کنند؟ اوضاع حساس سیاسی و
..... چه هستند؟ چرا نویسند

کار نشریات شرق از موضع
مقابل و روشن کردن اهداف
مردم است بداس مایسل
سجیده و غاصب که حکم اصل
را در سراسر مقالات
نشریات و محور تحلیل ها میان
را بخود گرفته است طرفد مسرود
ورگ و پیوسته های معادلات
پیچیده را روش می کنند.
وظیفه دیپلماتیای سازمان
طلل جایگزین وظایف انقلاب
بیون نده است و لذا حق مطلب
نیر نمی تواند از خلال اسگود
توضیحات بیبوده به بیرون درز
کند. اینگونه رویه های خلاف
صراحت در گفتار یک انقلابی
است و دوستان انقلابی ما نیز
باید از این روش خود استناده
کرده و از آن بهره نبرند.
اگر این دوستان
واقعا متفقد اند که موضع
یا سر عرفات یعنی برانخاست
سیاست بی طرفانه نسبت به
جنگ کسوی درست بوده و معیار
این موضع گیری هم آنست که
باید "در آن منافعی هر چند
کوچک به این دشمن خلقیای
جهان برسد پس چرا خود این
نشریه و همفکران آن موضع
بیطرفی اتخاذ نمی نمایند.
این تضاد میان کردار و گفتار
و توضیحی که از مواضع صد در
صد غلط یا سر عرفات میشود
در ذهن خواننده قرار است
جکوبه حل گردد.
موضع بی طرفی در این
جنگ دستکم و در بهترین
حالت خود جز لاقیدی نسبت
به یک توطئه امیرا لسمی
آبهم توطئه های آمریکایی
معنی می دهد. حرکت و
مواضع یا سر عرفات نیز
جزی جز این لاقیدی نسبت
به امر انقلاب در این مقطع
منحصر معنی نتواند داد.
در سرمقاله "سازوی
انقلاب شماره ۲۹ میخوانیم:
"انقلاب فلسطینی و رهبران عرب
فلسطینی که تا بجای بر میگرد
بشع یک طرف در جریان جنگ
بند در متحد ۱۲

آیا شوروی در...

سینه از سینه ؟

عین حال آنکه با دادن به حکم از سوی عراق راهمجان سینه صلحت خود میدیت، حورا افراد را به سیاست خود برای سردر آوردن از قضایا و احیا با قسود لندن نقش میانجی گزانه آنها

کرد، ما ورکنند! لیکن درباره دلیل سفرنا کپاسی میثت نظام می خودبه اردن برای زماں معین چه توانند گفت؟ آیا این موضوع بطرواقعی دولستت شوروی را که میکوشند اربنت به با دادادن جنگ شجا وزکارانند عراق علیه ایران مشمول شده و از جلو تیا قذبی طرفا سهای کرد نشند در انتظار فریاد "امسداد حواد" ایران بشیمد بر ماسلا سی سازد؟ پس از در هم شکستی طرح "بیروزی برق آسای" عراق بر اثر مقاومت قهرمانانه ملت ما و در نتیجه به درازا کشیدن جنگ (یا اصطلاح دیپلما تپسای امیریا لیست به سن بست کشیدگان آن) آمریکا صلاح را در دعوت طرفین جنگ به آتش بس و کشا نیدن دولت ایران به قسول میانجی و مذاکره سیاسی دید. زیرا ما با انگارنه تنهها آب سردی بیروی مقاومت دلیرانه ملت ما ریخته میشد بلکه سختی از خاک ما عملا برای کروی کشی های بعدی در دست دولست شجا وز عراق فرار میکوشست و پای قدرتهای بیگانه سیزسه هیئت میانجی و محفل ملج سه کشور ما با ر میبخت. در ایس زمان ضیا الحق آمریکاشی و دبیرکل کنفرانس کنورهسای اسلامی بعنوان "پیام آوران صلح" خودماشی آغاز کرد سدد و مدام حسین سرای بر فراری سه اصطلاح صلح و آتش بس صدای بکره خود را بلند کرد، که خود سخنان نه نوی دهان شان کویسته شد، اما دولت شوروی هم برای آنکه از فایده عقب نماند، در

ریان سنیر) به دولت ایران از زیر جاب جارج ساحنه بودند کد وزارت امور خارجه شوروی با تصور مقصد را منگوشد و بدینسان با تکذیب نامه ۴ خسود نوپسندگان ورنی باره "مردم" (۱۶ مهرماه ۱۳۵۹) را به جعل انداخت.

پس از نکست خوطنه آتش بس آمریکا و دست نشاندگان سنی در منطقه راهی مکرشندید حست علیه ایران جیت میزا سودر آوردن حکومت ایران و حداقل مجسور ساختن آن به قبول آتش بس ندید. ما مٹا هده میکنیم که رژیم مزدور سعت اسنیا رضسن ادا صه عریده های فریبکارا به اش در باره صلح با پشتیبانی همه جانشهای گذار همسه قدرت های امیریا لیستی (از جمله شوروی) و مرتجع تر یسی رژیم های دست نشاندده منطقه میگیرد بر حملات و حتیانه خود بر شهرها و دهات جنوب و غرب

کنور ما افروده است. در ایس میان دولت روسیه شوروی که از ادامه شجا وزات عراق و تحت فشار فرا کرفسن حکومت ایران انتظارات بیسی کنتر را دنبال میکند. همچنان بر ساسست با اصطلاح سطرنا سه خود ایستاد وظا هرا سرزنشی دادند متجسا وز و طرف سا ظل که بیبیا شد. زیرا دبینما ت های روس که ظا سورا اظهار ارادت و دوستی خاصی به "انقلاب اسلامی" و مواضع ضد امیریا لیستی دولت ایران میکسده سوز سوتوانسته اند که با استناد به از شرایط بحرانی جنگی لفظه "جرب ایرانی را به قسول دهان شنا دروسی وسوسه کسند. هندی که دارودسته سکر مآب حرب توده و جسدستان ایشان در پس پرده دودی از شعارهای تو خالی صد آمریکا شی و چاپلوس می روز مره در برابر دولتمردان ایران برای بی عری ریسران تلاش میوررند.

شیوخ مرتجع، جاسوسان

سینه از صفحه آخر

های بیمنی گزارش میدهند تا به توپ بسته شوند. مثلا چند روز پیش، ارتش در دارخوین مهمات پیاده میکنند تا به جبهه خر مشیر میرد. برخی از جاسوسان "حرکتها الجماعی" (یا سهرت میکوشیم حرکتها المشیخ المرتجع) از موموع اطلاع میبایند و به بعضی ها خبر میدهند. دوساعت بعد در دارخوین به توپ بسته میشود که در ایس حمله بیمارستان شهر آسب فراوان می بینند.

این جاسوسان که ما شند خنجر همتند که از پشت بر سر مردم ایران فرود می آید با بد سربیا دستگیر شده و در دم اعدام کردند. اعدام ۲۱ تن از این شیوخ مرتجع و جاسوس بدست آیت الله سله خلخالی سلما پشتیبانی همه مردم و نیروهای آزادیخواه و استقلال طلب را بهر اء دارد.

توده های خلق عرب در کنار همه مردم ایران و حور سنسان برای آزادی و استقلال ایران در مقابل این توطئه امیریا لیستی ایستاده اند و جانا سبیا بیداری میکنند.

مدی این مزدور امیریا لیسم، در لمان "اسلام و نظم" و... این مرتجعین را بر علیه انقلاب ایران مسلح، و توده های مردم را خلق ملاح کرد. انقلابیون و آسهای که و اعما در فکر دفاع از انقلاب و سهن سسند سیاسی در این شرایط توده های عرب و فارس و... را در مقابل این شجا و مسلح کرده و آنها بس شیوخ مرتجع را خلق ملاح و به جای اعمال سکیس و خیاست بیارستان بر ساسند!

دعوی حزب

....

بغیه از صفحه ۱۸

لسنی "اسد" نظر داشته باشد ما هم که دفاع از حسیثیای ما میرا لیمتی مردم و حقا - ست مواضع ملت های محسروم در برابر تحا و زکساران و اسنما رگران بر خیزند، بلکه این حسیثها و ملت ها هستند که ما بدنا ز این عالی جا در اکتشیده و منلا با رفیدن سا ز آن در مو - معگیری اثر اشریک دارنده منظور این با اسنما ران "کار آ" سه سایی روشنا این است که ما برای آنکه ستواسیم حنا بست دولتی ما نندنی و روی را، کسه امروز موضع بی طرفی گرفته است، سوی خود دوست - حقانیت موضع ایران در فعال نوظنه های آمریکا و تحا و زات ست جلب کنیم، ما بدفعالانه راه خوشرقمی و جا بلوسی در برآ - بر آن را پیش گرفته، قرارداد های دوستی نظیر قرارداد ضد منی و آله ای که اخیرا سا سور به بسته شد (وصفحاتی را برای رگلام آن در "مردم" سه خود اختصا ص داد) با ایسن دولت بستیم، سهم و امتیازاتی در کشور خود برای شوروی ها قائل تویم و خلاصه افسار خود بدست این دولت با مصطلاح صا میرا لیمت بسیاریم، شا طبعاً این دولت و دول نظیر در مومعگیری های خود بفتح ما تجدید نظر کنند و عطاوت ارباب منشا نه انان شامل حال ما گردد، ایسن است حرف دل رهبران وطن فروشان حرب، "حرب نموده" سنگسار شناخته شده است که همه - می ناسند بی نوع منامله آن چه میاشد و برای که کار میکند.

ناید کمتر دسند و گروه وطنس مروشی را ستوان یافت که اسن طور حاضا ندوبا و قاحت سسک ما شروبا دار برای پیشسرد مسافع ارباب خود زحمت بحسود راه دهد، سدور تک این دست

شی (ما ست دو گروه خلق و برجم در افغانستان) برای پیشسرد مطامع خود استفاده میکند و با آنها را در خدمت میگیره، امروز انواع گروهک های زیزودرشت رویزیونیستی، تروئیکستی جوهر و شنفکری و ضد کمونیستی ویا آنکار بورژوا - نشودالی از قماش حزب دموکرات کرد - ستان، برقه دموکرات آذربا - بحان، گروه روشنفکری اتحاد با مصطلاح دموکراتیک مردم، و بتدریج "فدائی خلق" و... سه سیاست این دولت خدمت می کنند و ما در اینجا از آنهاشی که موضوعگیری و جهت گیری سیاستان جا بگا ه های ویژه ای را در محاسبات دولست شوروی راجع به ایران سساز کرده است نامی نمی بریم، لیکن با اسن حال "حزب نموده" بی برده ترین مدافع دولست شوروی و سیاست جهان سوسیسی و مططن ترین کارگزار سیاسی آن در کشور ما میباشد، در نتیجه یکی از وظایف ملی انقلابیون ایران همانا رسوا ساختن این حزب کمپرادوری است.

بیرامون مواضع

ایران و عراق، به درگیری ها پایان دهد، غیر از این هم، بجز انقلاب فلسطین انتظار نداد - شتیم

با سرعرفات چنین کوششی را نمود و به حق هم که بجایی رسید و نمیتوانست هم برسد، چرا که کوششهای بیهودا و رزا و پیسه یک انقلابی نبود، بلکه از یک زاویه مصلحت اندیشی بورژوا - سودا صولا ایشان مدتی است معالغ انقلاب فلسطین را بیشتر سردای معالغیح طرحهای سازشکارانه و بورژوا - ایی نموده اند، ما از نویسنده گان مشربیه "بازوی انقلاب" این انتظار را ندا شتیم که با صحت گذاردن بر این بی طرفی بورژوا ما با نه با سرعرفات خود را تا سطح یک مصلحت

اندیشی غیر انقلابی شنسزل دهند، اتخا د چنین روشی شا - بسته نیرویی نیست که خود را در صف انقلابیون ایران می داند، تناقضی که این دوستان دچارش شده اند، اینگونه خود را جلوه سدهند که از یکسخواهان سباززه علیه متجا ورین هستند و از سوی دیگر خواهان قطع فوری جنگ (السته با تا کید بر با زکشت نیروهای متجا ور عراقی به سرحدات گذشته شان) بدون اینکه واقعت پشت این جنگ را، که چیزی جز یک برنا حد برای خفه کردن انقلاب ایران از سوی میرا لیمت ها نیست، توضیح دهند، از یک طرف خواهان مبارزه علیه متجا وز - بین عراقی بودن و از سوی دیگر ناشید مواضع با سرعرفات نمی تواند از یک تحلیل واحد سر - چشمه گرفته باشد.

ریشه حالت غیر معسال مجاهدین خلق (خاصه خارج از منطقه حبه سرد نظامی) و نیز شریات فوق الذکر در همین تحلیل های نا همگون نا درست نیست به ما هیت این جنگ و نقشه های پشت سر آن است، ایشان با بد دست از چنین تحلیل های غلطی برداشته و آن طوریکه خود مدعی هستند جز - پیشگامان مبارزه ضد امیریا - لیمتی در عمل درآیند و نه تو - جبهه گر مواضع نا درست با سر عرفات.

یک درس مهم انقلاب فلسطین از میان تحارب گرا - نیبانی که بدست داده، اینست که زما نیکه انقلاب فلسطین بر نموده های فلسطینی و عرب تکیه داشت و نیز عملاد مقابل شوروی موضعگیری نموده بود (بلحاظ خصومت خود روسهای رویزیو - نیست با انقلاب فلسطین که انقلابیون فلسطینی را ترور - بست می خوانند) پیشرفت های بسیار مهمی در عرصه انقلاب خود کرد و از ما سیکه با طر عدم رهروی انقلابی و سوا سطرطن

گدازین راه

"ارتش پرستان" در مقابل این مردم انقلابی که منعکس کننده نظرات اکثریت قریب با اتفاق مردم خوزستان هستند چه جوابی دارند؟

"بن بست" حاکم بصر جنگ بهیچوجه "بن بست" انقلاب ایران نیست. بلکه بن بست سیاست بورژوازی لیبرالی حاکم برجنگ است! این "بن بست" باید درهم شکسته شود. باید از این "بن بست" بیرون آمد، آمانه شیوه انقلابی! سیاست "اتکاء به ارتش" باید به سیاست "اتکاء به توده های مسلح" بدل شود.

*** * *** شرایطی را که در سالها با اختصار توضیح دادیم، در گرایش متفاد در ارتش خود میپروانند. بعبارت بهتر به دو نوع میتوان از "بن بست" خارج گشت.

اولا - گرایش به سازش، گرایش به تسلیم در مقابل دشمنان انقلاب ایران، اسیر قدرتها و در درجه اول امپریالیسم آمریکا. آن نیروهای سیاسی - اجتماعی که به بصر قدرت توده های مردم ز که از آن سخت میهراسند (بلکه بصر ارتش تکیه میکنند، آن نیروهای سیاسی - اجتماعی که ردیلانه در پی به انحمار در آوردن تمام و تمام قدرت حتی در ایسین شرایط جنگی میباشند، آن نیروهای سیاسی - اجتماعی که در بحبوحه جنگ به تفرقه افکنی مشغولند، انقلابیون را دستگیر کرده و بزنند آن می - ابتدا زندودری پوست خود نمیکنند از اینکه شهرهای جنوب "خالی"

شده اند و میتواند بی دغدغه "خلفی ها" را با رما رکنند و به این خاطر دارو دستهای مسلح خود را بر ما حنا نسد و... آن نیروهای سیاسی - اجتماعی محل اصلی این گرایش تسلیم

طلبانه میباشند. امروز " حزب جمهوری اسلامی " در ارائه این گرایش تسلیم طلبانه پیشقدم گردیده است.

راه حل خروج از " بن بست " طبق این گرایش تسلیم طلبانه به خاطر روحیه انقلابی مردم در امپریون رانسیدن کامل ارتش تجاورت عراق نمیتواند " آتش بس " خشک و خالی با وجود نیروهای بجنی در ایران باشد. تسلیم و سازش بر سر مسئله ای دیگر و آنهم سه

اسامه در ارتباط مستقیم با بعضی ها، بلکه در درجه اول امپریالیسم آمریکا صورت خواهد شد پذیرفت. این نیروهای سیاسی - اجتماعی مارشکسار و بعضا فدا انقلابی و مرتجع در

آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، موقعیست را "مفتم" دانستند تا معا - طه ای اثر نیندند. این نیروهای سیاسی - اجتماعی " فکر " میکنند که بعزت عدم روشنی بودن با ندر رهبری کنند

امپریالیسم آمریکا، بهترین زمان برای گرفتن " امتیازات " و راهی کروگانهاست، چه پس از تعیین تکلیف اختل بات در آمریکا، با ندر رهبری کنند " کاخ سفید " هر که باتند سخت سران نیست به ایران حرکت خواهد کرد. البته ایسین سازش و تسلیم در مقابل امپریالیسم آمریکا، میبایستی با خروج نیروهای عراقی از ایران نیز هماهنگ گردد. آن موقع دیگر نیرو نمیکنند که نیروهای بجنی بطور " مسالمت

آمیز " کورشان را کم میکنند و یا اینکه برای قریب توده های مردم ارتش ایران به "بیک" " پیروزی جارق العاده " نظامی " دست یابد " !! بهمین خاطر هم هست که بررسی مسئله " کروز " کا آنها در مجلس سربا آغاز می - کرده، بهمین خاطر است که جناب رفسنجانی در " مصاحبه " تلخنی اختتامی با آسوشیتد پرس " احتمال محاکمه " کروز " کا آنها را " بسیار کم " ارزیابی کرده اند: " آقای هانمی رمنجانی ... گفت امکان کمی هم وجود دارد که کروگانها به محاکمه کشیده شوند، او پیش

بینی نکرد که شرایط آزادی کروگانها چه خواهد بود اما گفت این شرایط شامل آنچه که پیش تر آنجا تکیه میسای اعلام کرده بود میشود. " (رادیو آمریکا - نقل شده در " انقلاب اسلامی "

۲۹ مهر ۱۳۵۹) ویی جهت نیست که دوباره هیانهای " میانجی گر " آمریکا بی - وایضا " روسی - راهی ایران شده اند، بی جهت نیست که جناب حبیب شطی که همین سه هفته پیش سرخورده از ایران " هزیمت " کرد، امروز دوباره سر و کلاهش پوشیده شده و قرار است که پشت بنشیند.

عده ای از سران " کشورهای اسلامی " در این مورد به اشتراک سفر کنند.

ویی جهت نیست که امپریالیسم آمریکا، ناگهسان تبلیغات خود را در مورد آزادی کروگانها وسعت بخشیده، بی جهت نیست که جناب کاترین قول با زپرداخت سر بسنج میلبارد دلار ایران را از صورت آزادی کروگانها میدهد، و با لائرازان حتی پیشنها دقعات بدگی و اسلحه نیز میباید، بی جهت نیست که ناگهسان

ادموند ماسکی سر سخنانسه از " تمامیت ارضی ایران " دفاع میکنند و از " تجهیز " ایسران خود را " بیمناک " نشان می - دهد. ... چون امپریالیستها

آمریکایی با شتم تیرا میبرسا - لیستی خود و جود این گرایش تسلیم طلبانه را حاکم کرده اند. همانطور که گفتیم سردمدار

این گرایش تسلیم طلبانه حزب جمهوری اسلامی است. ایسین امر به این معنا نیست که بورژوازی لیبرال، ومنجمله سنی صدر، با این گرایش بطور اصولی اختلافی دارند. ولی در شرایط کنونی که " ابتکار عمل " در پیشبرد این تسلیم طلبی با حزب جمهوری اسلامی است (بخصوص پس از تشکیل

" شورای ملی دفاع " که علیرغم عداوت های بنی صدر، بزنگاه " حزب جمهوری اسلامی " است) و با اصطلاح تمام " میوه " های " رسیده از این تسلیم طلبی در دامان با ندر قیسیب خواهد افتاد، بنی صدر خود را مصلحتی کنار کشیده است!

بنابراین نوع اول خروج از " بن بست " تسلیم در مقابل امپریالیسم آمریکا بطور خاص و با بر قدرتها بطور عام است! البته سردمداران این گرایش

تکیه بر آنه، بنظر میرسد که یک مسئله مرکزی و مهم، یعنی مخالفت توده مردم با این گرایش را نادیده گرفته اند!

ثابثا - گرایش به سازش، گرایش به تسلیم در مقابل دشمنان انقلاب ایران، اسیر قدرتها و در درجه اول امپریالیسم آمریکا. آن نیروهای سیاسی - اجتماعی که به بصر قدرت توده های مردم ز که از آن سخت میهراسند (بلکه بصر ارتش تکیه میکنند، آن نیروهای سیاسی - اجتماعی که ردیلانه در پی به انحمار در آوردن تمام و تمام قدرت حتی در ایسین شرایط جنگی میباشند، آن نیروهای سیاسی - اجتماعی که در بحبوحه جنگ به تفرقه افکنی مشغولند، انقلابیون را دستگیر کرده و بزنند آن می - ابتدا زندودری پوست خود نمیکنند از اینکه شهرهای جنوب "خالی"

گدا مین راه

آفتاب تابان روشن شده است . حتی آیت الله خمینی نیز بطور عصبی به این امر اعتراف کرده است :

" فرماندهان نظامی ... نیروی رمیسی را با اقسام سلاح ها و تویپها تقویت کنند و بدانند که ما معده در این امر نرسیده‌اند و ملت گناهی نابخشودنی است و از مواظبت آن بر خیزد باید ." (از پیام " ما مینماست عید قربان " - تا کید از ماست) .

کار شکنی فرماندهان ارتشی و نیروهای انحصار طلب و فشری ، و بورژوازی از تسلیم شده مردم ، شدت اعتمیاد مردم را از ارتش و نیروهای سیاسی رهبری کننده ارتش طلب ریخته است . مردم از اینکه خود نقشی در دفاع از انقلاب و مین جویش ندادند سخت خشمگین اند و خواهان تحقق این امر حیاتی هستند . این گرایش انقلابی ، محمل اصلی اش فعلا در میان طبقات کارگر ، زحمتکشان شهر و خرده بورژوازی شهری ، در میان اقشار طبقات فقیر و تهی دست شهری ، میباشد . بی جهت نیست تنها کسانی که شهرهای زیر خمپاره جنوب را ترک نکرده اند ، در مخالت فقیر نشین متمرکز هستند ، و به همین خاطر است که بعضی های مزدور اما سا محلات فقیر نشین را هدف خمپاره ها و موشکهای خود قرار داده است . این گرایش در عمل در آبادان قاطعیت خود را نشان داد و زمانیکه جوانان انقلابی شهر بوزر شهیدانها دگان اشکبه گرفتند و به جبهه جنگ رفتند .

در این میان نقش آیت

الله خمینی قابل تقدیر است . در حالیکه پیروان دروغیسی آیت الله خمینی چون فارو دسته ، حزب جمهوری اسلامی در پی سازش و تسلیم است ، خود ایشان تنگد خود را برای درهم شکستن

بغیه از صفحه ۹۲

تجاوز عراقی بروی توده مردم میکند آمد : " اولاً به ملت ایران هتداریست که تودرا میبا کنند و اطلحه های کشور را آماده کنند و حال آماده باش با تشد که اگر خدای بخواهد منحتاج به تسلیح عمومی شد و امر به جهاد مقدس عمومی داده شد تورا به میدان رفه و از دیسی خدا و کشور اسلامی دفاع نماید . تا اینها بفرای انتظامی احضار میکنم که با کمال حدت و سنجیدگی موت وقت ساز و سرگ را که سه خدا الله در حد کما می در اختیار رزمندگان بفرمای مکن وجه سایر جوانان مدا کارگذاشته و کورگترین مسامحه را احاطه نندایید ... " (از " پیام امام به مناسبت عید قربان " - تا کیدات از ماست) .

کمونیستها و انقلابیون باید پیشگام پیروان شدن و شکوفا نمودن کامل این گرایش انقلابی و تبدیل این خواست فقیسی توده مردم به جنبش عمومی قادی باشند . نیروهای کمونیستی و انقلابی میبایستی به توده گوزر دستند که " جهاد مقدس عمومی " هم اکنون است . اکنون احتیاج به توده مطلع در جبهه جنگ است تا اثرات ارتش فقیسی را تا رومار کرد و در عین حال گرایش تسلیم طلبانه ای کسه در طبقات و اقشار مالکین ، سوزروازی ملی و لیبرال و خرده بورژواهای دنباله روی آنها به عزمه عملی نزدیک شده است . از میان بر داشت و انقلاب را به پیش برد .

کمونیستها و نیروهای انقلابی باید در مقابل هرگونه

انحصار طلبی و تعرقه افکنی در صفوف توده مردم که امروز اساساً به شکل جنرگیسری از مبارزه مردم و نیروهای سیاسی انقلابی علیه اشرا ربغیسی ظاهر میگردد ، شدت مقابله کرده و توده مردم را علیه این فشری گریها و انحصار طلبی های ارتجاعی شورانند !

کمونیست ها و نیروهای انقلابی باید با شیونده سازی " منهورا شه کد " وحدت فرماندهی " را که کاملاً مسرود احتیاج است (ولی نسند به صورت تشکیل " شورای عالی دفاع " که فرماندهی را از دست بورژوا لیبرالی بدست تسلیم طلبان مدنا می میدهد) فقط سران سازش متقیم توده مردم در امر مبارزه با اشرا ربغیسی ، بر اساس سارماندهی توده مردم و متحد کردن آنها در این جنگ ، به منظور استفاده از حداکثر توانایی همه مردم در این مبارزه میبایست توان موجود آورد ! و ...

کمونیستها و نیروهای انقلابی فقط با جانفشانی با پیشقدم شدن در مبارزه با اشرا ربغیسی ، قادرند این امور اساسی و حیاتی را به پیش بترند .

ما دو میاست متصلا با توده گرایش متضاد و دور راه حل متضاد را در پیش رود و در سیاست ورنکسته " اشکله پیراوتسکن " که جنگ را به " بین بست " بسته گرایش تسلیم طلبی در مقابل امیریا لیم پیاده و انقلابی را به پیراهه سازش و تسلیم متوق میدهد . در مقابل سیاست اشکله به نیروی بتوان توده مردم که به گرایش انقلابی و دفاع از امر انقلاب و استقلال میباشند توسط مردم صلح پا داده و خروج از " بین بست " گذاری را به شکست اشرا ربغیسی و پیشرفت واقعی انقلاب میسر میبندد !

انقلاب گدا مین راه را در پیش بگیرد ؟ ما خواهان

پیرامون مواضع ..

های مشترک آمریکا و شوروی علیه انقلاب فلسطین (نمونه سازان طرح را هرگز گرو میگویند) . بحای تکیه بر توده مسنتریم فلسطینی بعنوان یک اهل بر دول مرتجع عرب (در کنار دول مترقی عربی) و بر دیپلماسی و جلسه بازی تکیه نمود ، انقلاب فلسطین نیز دچار این بستی شد که جز از طریق شکستن مناسبات بورژوازی حاکم بر آن وتکیه بر مبارزه مسلحانه توده ای - خلق دلاور فلسطین (بعنوان یک اهل) نمیتواند خود را از این بست رها سازد . اشکلات ایران اکنون شرایطی را داراست که زمانی جنبش فلسطین در اوج مبارزه انقلابی خود دارا بود . ولیکن بواسطه عدم لیاقت طبقاتی دولت مردان و نیروهای حاکم برجش توده مردم می تواند یکجراه وین بستی برسد که انقلاب فلسطین تجربه آنرا بدست ما داده است . از این نگاه بر بدین گیریم و بوظایف انقلابی خود در جهت پیشبرد امر انقلاب ناکید و روزیم !

حقیقت ارگان

اتحادیه

کمونیست های

ایران را

بخوانید

بیشرفت انقلاب هستیم ! برای تحقین این امر باید جانفشانی کنیم ، جانفشانی کنیم و ساز جانفشانی کنیم . راه دیگری موجود نیست !

حزب رنجبران ...

لایم قرار داریم. همه تضاد های اساسی جهان در حال شدت با بی همتی هستند. بخصوص اولتیماتوم خلقی و امپریالیسم که همه انقلابات صدام امپریالیستی و توده های پامیده همدگدا انقلابات

بقیه از صفحه ۹۳
ایران و نیکاراگوئه و ... طلایه های این روند انقلابی مهم می باشند، و شانیا "تصادیسن امپریالیستیها و خصوص دوایر قدرت آمریکا و شوروی که دنیا را بسوی جنگ جهانی سوم سوق میدهد.

هر دو ابر قدرت در پی سرکوب انقلابات خلقیهای جهان هستند. در عین حال کوشش می کنند تا این انقلابات را در مسیر اصلی خود یعنی چیست گیری علیه هرگونه وابستگی به هر دو اردوگاه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم، منحرف ساخته و این انقلابات را در چهارچوب رقابت های خودیسه بازی میگیرند. در حقیقت دوایر قدرت و عمل آشکار و پنهان آنها میکوشند تا تضاد خلقی با امپریالیسم را در تصادم دو ابر قدرت مستحیل ساخته، انقلابات را متکی به یکی از دو ابر قدرت بنمایند و از این انقلابات برای تضعیف رقیب سودجوینند. مثالها در این مورد فراوانند: "دفاع" امپریالیسم آمریکسا از جنبش افغانستان چون این جنبش علیه سوسیال امپریالیسم می جنگد، و "دفاع" سو-سیال امپریالیسم شوروی از انقلاب نیکا را گوته و ایران چون هدف بلاواسطه این انقلابات امپریالیسم آمریکا بوده و می باشد.

کلگزاران آشکار و پنهان سوسیال امپریالیسم شوروی برای این منظور، رویزیونیست های خروچیفی، و در ایران بطور مشخص حزب توده ایران است. "شوری" "یکه تحت لوای آن

های "جهان دوم" هم ملاحظه "بی طرفی" و "مخالفت" بسا جنگ ایران و عراق ناوهنای جنگی خود را به خلیج فارس گسیل داشته اند!! "رنجبر" از مردم میخواهد تا چشم خود را بروی واقعیات بسندند و ببینند که این "کشورهای منطقه" "اساسا" مخالف حضور ابر قدرت شوروی هستند و نه "سیمناک" از حضور آریاب آمریکا شیتان. "رنجبر" هم بدرد همین کشورهای "جهان سومی" "ایضا" "اسلامی" و "ایما" "مسایه" مستلاست! بنا بر این "رنجبر" در پی پیوسته سیاست بین المللی نیز خواهان هل دادن رژیم خمینی به سمت اردوگاه امپریالیسم آمریکا، در فدیت با ابر قدرت شوروی است. کما ملامطیق بسا سیاست داخلی "رنجبر" این "اتحاد بزرگ بین المللی" نیز یک خیانت تاریخی از آب در آمده است! "رنجبر" در گساری شکسته ای که ملک حسین و ضیاء الحق و شیوخ مرتجع عرب بر آن سوارند، به دامان امپریالیسم آمریکا گریخته است!

۳- هدف رنجبر و

رویزیونیستها از این

"وحدت طلبی" های

"ملی و بین المللی"

چیست؟

مادرتن یکی از بزرگ ترین بحرانهای جهان امپریا-

انتکاء به سوسیال امپریالیسم توجیه می کرده، "شوری" منحصط راه رشد غیر سرمایه داری از طریق انتکاء به "اردوگاه سوسیالیستی" کذایی، "تقسیم کنار" بیس المللی "و ... است.

کارگزاران آشکار و پنهان امپریالیسم آمریکا برای این منظور، پیروان "شوری" "سه جهان" "و در ایران بطور مشخص "حزب رنجبران" میباشند. "شوری" "یکه تحت لوای آن انتکاء به امپریالیسم آمریکا توجیه میگردد، "شوری" "سه جهان" "بی آزار" شدن و نزول امپریالیسم آمریکا، در رنده خوب بودن و در حال رشد بودن سوسیالیسم امپریالیسم شوروی و ... است که این "شوری" در اساس با "شوری" رویزیونیستی خروچیفی فرقی ندارد.

هدف هم "رنجبر" و هم "حزب توده" از زوایای مختلف آنستکه انقلاب ایران را از مسیر اصلی خود منحرف ساخته و آن را در چهارچوب رقابتها و کشمکشهای دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی محصور کنند. این است که "حزب توده" از "جبهه متحد خلقی" ای دم میزند که بسا شوروی کنار بیاید، و "رنجبر" از "اتحاد بزرگ ملی" "یکه بسا آمریکا کاری نداشته باشد، به این است که "حزب توده" برای بساز سازی اقتصاد ایران به "تقسیم کار بین المللی" و "کمکهای" اردوگاه شرق ما را رجوع میدهد و "رنجبر" به کشورهای "جهان دوم" و "جهان سوم" "این است که "حزب توده" میخواهد ارتش برمنای "مدل سنتی مسکو" سازمان بیاید، و "رنجبر" بسا لعکس میخواهد ارتش برمنای "مدل سنتی" "ترواشنگتن" و ...

هدف "رنجبر" و "حزب توده" روشن است. غلط آن عده بی آبرویی که نام "کمونیست" نیز بر خود نهاده اند و ملی انقلاب ایران را نفی میکنند، در مقابل تل تحا و ز آمریکا بی عراق مردم را به "جنگ داخلی" "دعوت می

مروری برجسته ... تبلیغات منفی رایج میگردند. البته همانطور که شلا هم در "حقیقت" یادآوری شده بوده ای از اعماء و هواداران گروههای انحرافی که برخلاف نظرات انحرافی و فرصت طلبانه رهبرانشان و به تبعیت از حرکت انقلابی توده ها در فعالیت های مبارزاتی شرکت دارند و بدون شک دیر یا زود خود را با اپورتونیسم نا جوان - مردانه خاکم بر گروههای ایشان خواهند کشید.

حزب رنجبران...

لیسم آمریکا و در صدمیت کل این مجموعه با بر قدرت ضروری می باشد شکل گیرد. بر مبنای این "استراتژی سویی"، "رنجبر" و همفکران بین المللی اش از هارترین محافل امپریالیستی تا آنجا که بر علیه بر قدرت شو...

ان "در حقیقت هیچ چیز نیست جز تقویت اصلی ترین نهادی که امپریالیسم آمریکا در ایران بر آن تکیه دارد. "وحدت" "حزب رنجبران هیچ نیست جز "اتحاد همه" ضد انقلابیون و سازشکاران در زیر پرچم ارتش آمریکا پرورده و سازمانده از نظام شاهنشاهی، "جهاد وحدت" "حزب رنجبران" در حقیقت یک خیانت بزرگ ضد انقلابی و ضد میهنی است! "رنجبر" موار بر گاری و رشکسته ارتش چهار سل بسوی کاخ سفیدی تازد البته "رنجبر" این "افتخار" را دارد که موار بر گاری ای با "تکتیک پیشرفته" - شاید یک تانک - بسوی سر منزل مقصود می رود!!

۲- تلاش مذبحخانه رنجبر برای ایجاد اتحاد بزرگ بین المللی!!!

"رنجبر" بر مبنای تئوری منحنی و روبریونیستی "سه جهان" نه تنها در پی "اتحاد بزرگ ملی" است بلکه هم چنین در کنار سایر برادران بیسن المللی اش در تلاش ایجاد یک "اتحاد بزرگ بین المللی" نیز می باشد. این "اتحاد بزرگ" در مقیاس جهانی بر پایه "اولا" - اتحاد کشورهای "جهان سوم"، "ثانیا" - اتحاد کشورهای "جهان دوم" یعنی کشورهای امپریالیستی اروپا و ژاپن و ثالثا، اتحاد این دو دسته با امپریالیسم

بفیه از صفحه ۱۷ - روی ما شده دفاع می کنند. در پی "متحد" ساختن همه مرتجعین جهان که سردر آجورا امپریالیسم آمریکا دارند می باشند، نوکران بلا فصل آمریکا را بخای "رهبران مستقل" کشورهای "جهان سوم" جازده و آنها را "متحدیست" انقلاب می شمارند و... در حقیقت آنها میخواهند همه خلقهای جهان را گوشت دم توب امپریالیسم آمریکا در جنگ آتی اش با بر قدرت ضروری بر سر گردگی جهان امپریالیسم بگردانند. این است هدف از "اتحاد بزرگ بین المللی" "رنجبر" و همراهان "سه جهانی" اش!

از بخت بد "رنجبر" و بر مبنای تئوری "سه جهانی" هر دو کشور عراق و ایران در دسته کشورهای "جهان سوم" قرار دارند و بنا بر این معلوم نیست چرا این "متحدین عینی" در حال جنگ با یکدیگرند!!؟! البته "سه جهانی" ها از این بخت های بد در چند سال گذشته زیاد آورده اند!! "رنجبر" با آه و ناله در این مورد سخن میگوید: "خصلت جنگ اخیر از جانب رژیم صدام غیر عادلانه و نجا و زکارانه است چرا؟ "رنجبر" پاسخ می دهد: "چرا که حتی اگر چشم را بر خدمتی که صدام حسین با بر فروختن این جنگ مستقیم و غیر مستقیم به دوا بر قدرت آمریکا و روسیه میکنند ببندیم (که عملا هم بسته اید!!) تمام مسایلی که صدام بعنوان مؤلف و دا اختلاف و بیابانهای جنگ طرح کرده حتی در صورت صحیح بودن آنچنان نیست که میان

دو کشور اسلامی و جهان سومی همسایه، از طریق ممالمت آمیز قابل حل باشد و جنگ را توجیه نماید" (رنجبر شماره ۱۰۹ - ۱۳ مه ۱۳۵۹، تاکیدات از ما است) عجب تحلیل داهیه ای! ما چشم را بر خدمت به دوا بر قدرت می بندیم!! (البته "رنجبر" قصد از این امر که این نجا و عراق بر مبنای سیاست امپریالیسم آمریکا صورت پذیرفته، ظفره می رود و آن را مطرح نمی سازد) آنگاه "رنجبر" بما میگوید این جنگ "تجاوز - کارانه و غیر عادلانه" است چون عراق و ایران هر دو کشور "جهان سوم" هستند و بالاتر از آن "اسلامی" و "همسایه" نیز میباشند و این همه خصائل مشترک!! "جنگ را توجیه نمی نماید!!" برای "رنجبر" اسلاما هیت طبقا - تنی دور رژیم ایران و عراق، سیاست امپریالیستی در هم شکستن انقلاب ایران و... اهمیت ندارد، "رنجبر" در پی ایجاد "اتحاد بزرگ بین المللی" است و هم عراق و هم ایران در این اتحاد می گنجد. فرق نمی کند شاگرد برای ایران حکومت میکند یا رژیم خمینی برای "رنجبر" علی السویه است، صدام در عراق حکومت میکند یا یک رژیم مترقی و... بنا بر این "رنجبر" می خواهد این تفا که کوچک!! بیسن ایران و عراق حل خود، آنها هم بطریقه "ممالمت آمیز!!" برای همین نظرات "متحدین" دیگر را مطرح میسازد: "اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان سوم و بسیاری کشورهای جهان دوم با درگیری میان ایران و عراق مخالفند" ("رنجبر" شماره ۱۰۵ - ۳ مه ۱۳۵۹) ولابد برای همین "مخالفتهاست" که ملک حسین و ملک خالد همه، مرتجعین منطقه دفاع از عراق برخاستند تا زودتر!! جنگ تمام شده و "رنجبر" از کنار همه، این وا - قعیات با "بزرگواری" خاص خود می گذرد!! برای همین امپریالیسم

"رنجبر" با ضیا، الحق آمریکا - بی به مباحبه می پردازد و تناسا "بی مهوری" مطبوعات را احیران کرده باشد. آخر ضیا، الحق هم در این "اتحاد بزرگ بین المللی" می گنجد. "رنجبر" زگ گردنش سیخ میشود! اگر کسی به ضیا، الحق بگوید که سوکرا آمریکا است: "در حاشیه" ضیا، الحق و سایر عرفات به ایران که از طسرف کنفرانس کشورهای اسلامی برای جستجوی یک راه حل ممالمت آمیز برای خاتمه دادن به جنگ عراق علیه ایران انتخاب شده بودند چیزی که بسیار رسر - حسته بود حمله بسیار رشیدیست مستقیم بعضی از رسانه های گروهی ایران به رهبران پاکستان و فلسطین بود. بطوریکه بعضی از این رسانه ها حتی آنان را نوکران آمریکا و روسیه و موار از طرف ابر قدرتشان - میدند" (رنجبر ۱۰۹ - ۱۳ مه ۱۳۵۹) ما تا آنجا که بیا مداریم کسی با سر عرفات را "نوکر روسیه" نخواند و در هر صورت اعتراض "رنجبر" به این است که چرا ضیا، الحق را کسی نوکر آمریکا خوانده است. عجب تهمت بی شرمانه ای!! "رنجبر" در ضمن نصیحت به هیات حاکمه در مورد محکم گرفتن "جبهه دیپلماتیک" بدانها گوشزد میکند که کشورهای منطقه را دریا بند چون کشور های منطقه از حضور نظامی دو ابر قدرت در آبهای محاذ کشور شان بیسنا کنند" ("رنجبر" شماره ۱۰۵ - ۳ مه) لابد بهمین خاطر هم هست که عربستان سعودی با یکا هایش را در اختیار آمریکا قرار داده، ترکیه رسما به آمریکا اجازه استفاده کامل از خاک این کشور را داده است. بحرین به نا و های جنگی آمریکا پناه داده و عمان با یکا در اختیار آمریکا گذازده، مصر، اسرائیل، سومالی، پاکستان و... نیز بهمین ترتیب، لابد کسی چه میداند!!؟ لاسد کشور

حزب رنجبران...

شماره از صفحه ۱۸

سند) ناکدشته ناپاک ارتش را نظیر سازند، تا برای کودتای کری آینده، خوش ارتش را آماده سازند، و وابستگی نظامی ایران را به امپریالیستها و ابرقدرتها تحکیم و توسعه بخشند! این سیاست

می بیند، و دوم آن سیاست سازشکارانه و ضد انقلابی ای که مقابل به تجاوز عراق را اساسا بردوش ارتش میبندد، اول آن سیاستی که مبارزه، پیروزمندان در مقابل امپریالیسم و منجمله مقابل به تجاوز عراق را در گرو برآه انداختن یک جنگ توده ای میدانند، و دوم آن سیاستی که میخواهد در مقابل تجاوز عراق با اصطلاح پیچیده "جنگ کلاسیک" ارتش یا ارتش را بدیش برد، خود پیشرفت جنگ، علیرغم تمام دروغهایی که "رنجبر" می بافتد (بمنسوان مثال کعبه، مشتعلانه ریشیس حزب رنجبران در خوزستان مبنی بر اینکه "اکراین ارتش نبود، واقعا معلوم نبود تکلیف ما در خوزستان چه شد؟"!! البته ما هم همی دائم تکلیف "رنجبر"هایی چه میشد) نشان داده است که در سخت ترین شرایط این اساسا توده مردم مسلح بودند که در مقابل ارتش عراق ایستادگی کردند، به خرمن شهر و آبادان و تجربه، فرمانان این دوشهر قهرمان نظری بیایدند از بد تا متوجه شوید که کدام سیاست درست است!

از جانب سورژوازی لیبرال ایران دنبال می کرده است! نظریه ورکنند و ضد انقلابی خود در مورد ارتش را بحق جلوه دهد، چون از نیروی مسلح توده ای میترسند و آن را خطری برای خود سزمی بیند.

از جانب سورژوازی لیبرال ایران دنبال می کرده است! نظریه ورکنند و ضد انقلابی خود در مورد ارتش را بحق جلوه دهد، چون از نیروی مسلح توده ای میترسند و آن را خطری برای خود سزمی بیند.

کامل ارتش، در پی زدودن هر گونه بی اعتمادی بحق مردم نسبت به نظام ارتش میباشد. این سیاست کاملاً منطبق بر خواسته های شیطانی فرماندهان آمریکا بی ارتش است. "رنجبر" در انعکاس نظرسراست فرماندهان ارتش تا بدانجا با پیش می گذارد که حتی خرید اسلحه از امپریالیستها را نیز جایز می شمارد: "جنگ تحاور کارانه، حکومت بعث عراق با شفافیت تمام نشان داده است که ما به ارتش منظم، قوی و رزمنده احتیاج داریم که باید تا حد ممکن و تا آنجا که ممکن است استقلال و حاکمیت کشورمان لطمه نزنند، به تکنیک پیشرفته جنگها مجهز باشد" (رنجبر شماره ۱۵۵ - ۳ مهر ماه ۱۳۵۹) فقط یک سوال میماند و آنهم این است که این "تکنیک پیشرفته" در کجا پیدا میشود؟ البته "رنجبر" تا آنجا می گوید که ما با ابر قدرت روسیه مخالفیم چون شوروی میخواهد تا ایران "ارتش و سلاحهای نظامی خود را بر مبنای مدل سنتی پیشینها، دی مکتوب جدید سازمان کند" (رنجبر شماره ۱۱۵ - ۵ مهر ۱۳۵۹) "رنجبر" شدیداً با این امر مخالف است، البته نه برای اینکه با تجدید ساختار ارتش بر مبنای ایجاد یک ارتش پیشرفته ای موافق است (چگونگی آن "وعده" سرخرمن "اسبت و تکنیک پیشرفته ای" در آن - یافت نمی شود) بلکه بخاطر اینکه ارتش ایران باید بر مبنای "مدل سنتی" آمریکا بی "تکامل" یابد. (اگر چه "رنجبر" شرط و شروط "تأخیر ممکن" و "عدم لطمه به استقلال" پیش میگذارد، ولی همه این حرفها در انتها حرف مفت است. چون از نظر "رنجبر" ما برامیر - با لیستهای متحد آمریکا خواه استقلال طلب، استقلال خواه هستند و "تکنیک پیشرفته" آن ها کاملاً مستقل است.)

کودتاگر (همان ارتشی که در ۱۸ تیر امسال توطئه کودتای نافرجام را ریخت) در حقیقت مهم ترین و اصلی ترین نیادی که امپریالیسم آمریکا در داخل بروی آن تکیه دارد دولت قویست میکند و میخواهد آن را در رأس جامعه قرار دهد، این سیاست، سیاست بد نهادترین دشمنان انقلاب ایران، امپریالیسم آمریکا و طبقات بورژوا - فئودال سرنگون شده است. "مبارزه با دوا بر قدرت" "رنجبر" به مبارزه با شوروی در اتحادیه با نوکران امپریالیسم آمریکا تبدیل میشود.

در اینجا نکته، کوتاه می نبرد مورد "وحدت شماره ۴" که بسیار مورد علاقه "رنجبر" می باشد بگوئیم. (وحدت شماره ۴) "رنجبر" اصطلاح "سوسیالیسم انقلابی"، "ملی گرایی مترقی" و "اسلام مبارز" "سوسیالیسم انقلابی" "یکه" "رنجبر" درباره آن صحبت می کند یعنی "حزب رنجبران"!! "ملی گرایی مترقی" "رنجبر" نیز از قماش ابوالفضل قاشمی ساواکسی، نزیه فراری، و امثال فرماندهان "مترقی" و "ملی" ارتش میباشد، "اسلام مبارز"ی که "رنجبر" برای آن دل میسوزاند همان "اسلام" "رحیم" و "از خود گذشته" است که در بهترین حالت کسانی مانند زرگان و هیئت آزادی از آن هواداری میکنند (در "مفولذتی است که در انتقام نیست"!!) و "رنجبر" برای این "وجدت شماره ۴" "بیمار" ارتش "قابل است و آن را پایه و اساس "سه وحدت" دیگر می انگارد. دقیقاً هم همینطور است، همانطور که گفتیم "رنجبر" میخواهد نقش پل را بین لیبرالها و کودتاگران بازی کند، این "وحدت شماره ۴" قمدار داین طرح را بمرحله عملی در آورد. اسم این "وحدت" - "اتحاد بزرگ ملی" است! چه اسم بی مسایبی!! "وحدت" "حزب رنجبر" بقید در صفحه ۱۶

دعوی حزب ...

رکلام آن بنامند. سرانجام در ۶ مه ماه دعوا با اصطلاح "بیروان خط روزیگی" و روزنامه "سمران" بهایه ای مسود که حضرات حزب کفالتی آهسته آهسته خود را عنوان کسب و راهی سرای

شبه از متحد آخر...
 آنها در میان این همه شور و فداکاری سی نظیری که خلق فخر ما را در این روزها در میان حزب جهانیان برای اسلام و تاکید بر حقیقت حقیقتی آزادی میسر با لیبیم جهانی و همه فطرت های استعمارشان می دهند. آنها در جستجوی سوراخهای پیر شده و جا مانده های هستند که از محاری آنها فضا را کجا چنانی نظم اربابان غارگر خویشی را به میدان رزم خویشی ملت ما جاری سازد. آنها امروز هم از اوج غده های لیسرال از خود راضی را که از آزادی انقلاب ایران دم زده و برای رهائی در جنگ تحمیلی کوشی همه های سارتی مر می دهد. بهانه کرده راه تسلیم در برابر قدرت شیطانی ارباب خویش را تسلیم میکنند.

ورق پاره "مردم" ارکان نا آرجح به خون کوشیتهای و این حزب کذابی در روزهای آزادی خواهان و توده های بیباک آغازین جنگ نجا و زکارا سه عراق با ایران صرفا به محکوم کردن نقش آمریکا و مزدورانش در این جنگ و بینشی سیاسی ار مقاومت مردم در برابر تجاوز خاشاکه رژیم صحت اکتفا می کرد و برای تسلیم سیاست شوری چیزی نداشت که گوید و یاد در ستراست بگوئیم کنه ضرورت ملحت نمیدید مظلومی را عنوان کند. زیرا دست دولت شوری در پشت تجاوزکنان را بیعت در کنار دست طراحان و اسککن عیان بود و هنوز ایسن دولت موضع ظاهری "بیطرفی" می خویش را عنوان نکرده بود. سه علاوه با بدیهاتهای برای عرضه کالای ارباب و مطالبی سرای اصلا در محله نویسندگان "مر"

یکی بدو کردن ورق پاره "مردم" با اصطلاح "بیروان خط روزیگی" یعنی محاصره لیسرال سوز و آزی یا بنده نهضت آزادی ظاهرا "سررای تحظه و جا اسداختن خط تسلیم در برابر شرق و شوروی است." "مردم" مواضع لیسرالی در شکتن عیان بود و هنوز ایسن دولت موضع ظاهری "بیطرفی" می خویش را عنوان نکرده بود. سه علاوه با بدیهاتهای برای عرضه کالای ارباب و مطالبی سرای اصلا در محله نویسندگان "مر"

دم "سیاستات و نه کرسی شنیدن مواضع انقلابی و استقلال طلبانه ملت ایران در برابر سرنوشت و دشمنان آزادی بشریت. اشکات و نه کرسی شنیدن توانایی و آمادگی ملت ما برای استادن سروی بیای خویش میمانند. برعم این سوسال کسیر ادورهای وطنی (سوسال نیست در حرف، کسیر ادور در عمل) برای بیوروتدن در این جنگ و سیرون آمدن از آن اسرواشی که لیسرالها را هراتان و ایسن کسیر ادور مسلکان "فدلیبرال" رایبراهیبایی واداشته است. ساید هر کس و نا کسری را که طرح دوستی یا ملت ما میریزد سه حریم انقلاب و کشورمان را میزند حتی اگر ضعی دلخواه ایسن دلان این کس، اشغالگر سرز- مین در بنده مسا به ما امنا- نشان بر امروز بنده جنگهای استعماری در ارباب، آنگولا و کاتامبوج و مسلح کنندگان خود دشمن متجاوز در جنگ کنونی یعنی رژیم صدام باشد. بزبان خودشان: "هر دستی، جسته همما به وجه غیر همسایه، به عنوان دوستی نظرت ما بساید، ما آن دست را می فشاریم." ("مردم" ۱۳ مه ماه ۱۳۵۹) آری! اگر دست شمر و خان معول باشند! حضرات در اینجا خیلی ما پیپی رفته و منطقی را پیش گرفته اند که طبق آن هشردن دست هرگز در لباش میشی از جمله آمریکا فایق توجه میشود، چه در دیپلما سن غریبکارانه، سوز و آزی- بین المللی دست های دوستی زیاد تنکان داده میشود آقا بسان "فدلیبرال" برای آنکه حرف دل خود را با ظرافت به خواننده حالی کنند محبورند به منطبق دیپلماسی کسیر ادوری بنسناه آورند.

منند بازگشود، مشکلاتی راهم برای تسلیمات اس حرب موجوده آوزد بر ارباب حال سرخسلاط تسلیمات گذشته حزب ما سرود دولت شوروی در اسباب اعلام همسنگی ظاهری ما انقلاب ایران در برابر دشمن متجاوز برنظامت. جدی بعدی بهایه کمک نظامی دولت ایران از طرف سغیر شوروی موضوع بمبسی بدست رهبران اس حرب برای اشکات حسن ض اربابان خویش داد ("مردم" ۱۴ مه) ولی با تکدی نامه وزارت امور خارجه شوروی درباره اظهارات سفیرشان، که برخلاف رسوم کذایی دیپلماسی امپریالیستی در روزنامه های ایران منتشر شده بود، دست آقا بسان پویا رده در حنا میاید.

ولی سوکروفا دار در هر شرایطی راه خدمت به ارباب را پیدا میکنند و حزب ما برده هم این راه را سرانجام پیدا کرد. اگر دولت شوروی در این جنگ دست دوستی سوی مادرارسی کند، تفصیر ما است که دست دوستی سوی آن در ارنکرده ایم. سوکروفا خوب میفهمد که برای طلب تعقد ارباب با پیداول تجاوزی را کسند ولی بدیحتی آنجاست که ایسن دون معیت ملت ما را با خود مشتبه ساخته است. بگذارند از زبان خودشان نقل کنیم: "ما سعی توانیم و نباید منتظرانیم. تا دیگران موضعگیری خود را نسبت به انقلاب و جمهوری اسلام ایران نیست به حقاقت ما قبال سیاست تحوطه گرانیه و تجاوزی آمریکا، نسبت به حقاقت ما در قبال شهاجم نظامی رژیم صدام حسین، شخص کسند. ما خود باید فعال باشیم و در اتحاد موضعگیری دیگر کشورها اثرگذاریم." ("مردم" ۲۶ مه) بر طبق این اصطلاح "سیاست خارجی کار"، ارباب پس ما ساند حتی از دولت یا کشوری که به ادعای دلان سیا- ستر رهبر "انقلاب جهانی" و بیشتر اول "صهبه فدا میریسا- سه در محله ۱۲

حزب رنجبران...

آن چیزی که "رنجبران" می خواهند از مطرح ساختن "وحدت" شماره های ۳۰، ۲۰، ۱۰ خواننده القاء کنند، تطهیر و نه فقط تطهیر، بلکه تکبیه اصلی بروی ارتش با زمانده از نظام شاهنشاهی است. "رنجبر" شماره

بغیه از صفحه آخر
و عازان امپریالیسم آمریکا می
سازد، در خصوص، جنگ بیسن
ایران و عراق، گویا "حزب
رنجبران" موقعیت را مفتنم
شمرده تا این "تاکتیک" خود را
کا ملاتیب نمایند. به نظرات
این دارو دسته، خیانتکار
نگاهی کوتاه بیندازیم:
۱- چهار وحدت!
پایک خیانت!؟
"حزب رنجبران" فوراً پس
از آغاز جمله و تاج و زار یعنی
یکی دیگر از آن "تحلیلهای"
تاب خود را با انجام رسانده و
طبق معمول "رهنمودهای شماره
ای" خود را تحت نام "چهار وحدت"
عرضه کرد.
این "چهار وحدت" کسه
"رنج کشیدگان" "حزب رنجبران"
در هر شماره در باره آن قلمفر-
سایی میکنند، چه هستند و مضمون
اساسی آن در اوضاع و شرایط
کنونی چیست؟ این "چهار
وحدت" عبارتند از:
۱- "وحدت کلیه نیروهای
ملح کشور" ۲- "وحدت فشرده
فرماندهی سیاسی و نظامی
کشور" ۳- "وحدت خلق و ارتش"
۴- "وحدت سه نیروی جاسد ما
اسلام مبارز، ملی گرای مرفقی
و سوسیالیسم انقلابی".
در مورد "وحدت شماره ۲"!!
که "حزب رنجبران" مدتی است
در باره اش سخن پراکنی کرده
است ما بعداً صحبت می کنیم و
مضمون آن را می شکافیم و معلما
خود را به بازگشایی محضی "سه
وحدت" دیگر که پیرا آغاز جنگ
ایران و عراق مطرح شده اند می
پردازیم.

"در تاریخ معاصر ایران چنین
درجه ای از وحدت و یکپارچگی
میان ارتش و ملت هیچگاه دیده
شده است... آنها (یعنی ارتش)
فرمت تاریخی بزرگی
یافتند تا همبستگی عمیق
و ناگسستی خود را با ملت ما-
رزا بران بیان دارند" (همه)
تاکیدات از ما ست)

همانطور که گفتیم درد
اصلی "رنجبر نویسان" بر سر
ساله ارتش است. "رنجبر سخت
دلخور است از اینکه جراثیم
عده ای بد ارتش "بغض آلود"
می نگرند، "رنجبر نویسان"
تمام "نقایص" موجود در جنگ
را در این می بینند که جراثیم
ماندها ن مزدور ارتش "بسا-
کساز" شده اند و "رنجبر
نویسان" در پوست خود نمی
گنجد که "فرمت تاریخی بر-
گی" بدست آمده است تا
"همبستگی عمیق و ناگسستی"
بین ارتش و ملت بوجود آید.
"رنجبر نویسان" نه تنها
به ارتش "بغض آلود" نمی
نگرند، بلکه آن را "نیروی آسا-
سی حفاظت از" انقلاب" (کدام
"انقلاب" دیگر بماند) نیز
میدانند: "امروز چه کسی در
مقابل تاج و زقراق که به تخر-
یک ابر قدرت است مقاومت
میکند؟ چه کسی با شترخسون
خود را مبین مقدس انقلابی
دفاع میکند؟... امروز این
نیرو با سا ارتش چه سروری
اسلامی ایران است...
(رنجبر شماره ۳۰، ۱۵۵، مهرماه
۱۳۵۹- تاکیدات از ما ست)
"رنجبر نویسان" در دفاع از
ارتش تا آنجا به پیش میروند
که نیروهای ملح توده ها را
به سخره می گیرند: "یک لحظه
تصور کنید که شما رقلابی هوادار
ران انحلال ارتش احرار شده بود
و فرض کنید که کشور ما تنها سیاه
پاداران و مقداری دسته های
ملح توده مردم را دارا بود
در درجه اول ما از نیروی هوا-
سی، دریایی و قوای زرهی
و بخش مهمی از قوای موتوریزه
مجهز به سلاحهای سنگین و

بسیجیده محروم میشدیم دلیل آن
نیروشن است زیرا در طی این
مدتی که از انقلاب می گذرد بطور
قطع و یقین کشور ما نمی توانست
سازمان نظامی جدیدی بیافریند
که افرادی جدید جایگزین قدیمی
ها گردند. بدین ترتیب قوای
سه گانه ملح ما با پدید روی
ملح توده ای که تازه از گرایسن
و عده سرخسزین عملی میشدند اکثر
برای جنگ طولانی و در داخل کشور
یکار می آید محدود می گشت...
(همانجا- باز هم تاکیدات از
ما ست) و با لخره در همین مقاله
می گوید که آنها که در خط انحلال
و تضعیف ارتش قدم برداشته و بر
میدارند، سوار بر گاری امپریا-
لیسم و دشمنان ایران اند...
خواهیم دید که چه کسانی سوار چه
گاریهای "شک" ولی و رشکسته
ای هستند!!
نظر "رنجبر نویسان" تیار
روشن است: "وحدت" بر اساس
انگاز بد ارتش، انگاز بر ارتش
برای "دفاع" از انقلاب، انگاز به
ارتش برای رهبری سیاسی جامعه
(وحدت فرماندهی سیاسی و نظامی
می) "زدودن خدیت و بیگانگی
مردم از ارتش با استفاده از سر-
قیمت به کف آمده، وارد کردن بد
نام ترین فرماندهان ارتش چون
فلاحی و ظهیرنژاد در راه جامعه
و سپردن زمام امور سیاسی و نظامی
می کشور در این لحظات بحرانی
و حساس به این کودکان گران آمر-
یکاشی و... این است چکیده
نظرات "رنجبران" که تحت نام
بر طمطراق و شماره بندی شده!!
"وحدت" میخواهد بخورد مردم
دهد. ولی این چکیده، نظرات
"رنجبر" به نفع کیست؟ دفاع بی
قید و شرط "رنجبر" از ارتش خط
کدامین گروه در ایران است؟
در مقابل ما تاج و زار آمریکا-
یی عراق به انقلاب و مبین مسا
اساساً دو سیاست عمومی در مقابل
یکدیگر قرار گرفته اند. اول آن
سیاست انقلابی که پیش بردا سر
انقلاب و منجمله مقابله با تاج و زار
عراق را با انگاز به توده مردم
و در این مورد مشخص با انگاز به
سروهای ملح توده ای میسر
بغیه در صفحه ۱۷

حزب رنجبران مدافع بی حیره و

مواجب ارگانها و عمال امپریالیسم آمریکا

دعوائی حزب توده با

نیبرالها در این جنگ

بر سر چیست؟

جنگ تجاوزکارانه عراق علیه ایران اگر برای توده های ملت ما ضرورت انجام بررگتر- بی فداکاریها را برای حراست از استقلال و دفاع از استقلال کشور خود مطرح ساخت برای حزب توده و چند گروهک دساله روی آن تنها شرایط جدیدی را برای تبلیغ سیاست وطن فروشانه اشان یعنی تلقین ایمن اندیشه، سخیف که ملت ایران بدون استکاء به ابرقدرتها قادر به ایستادن بر روی پای خود نمی باشد مطرح کرد. جنگ کنونی که به تحریک ابرقدرتها و دقیقاً برای درهم شکستن مواضع استقلال طلبانه ملت ما تحصیل شده است میدان آزمایش بررگی است که ایران کنونی آماج دگی خود را برای ایستادن در برابر زورگویان و قدرتهای سلطه گر جهان و بیمودن راهی مستقل و جدا از آنها میا ز ما باید در حال لیکن برای نوکرمستان حزب نام برده تنها بازاری برای عرضه مطاع این سلطه گران و اشبات نا توانی ملت ما در برابر قدر قدرتی آنهاست. تنها مسئله فکری این دلالان خوش حظ و حال استعمار این است که چگونه به ملت ستمدیده ما ثابت کند که حفظ استقلال و تلاش برای رهایی از جنگال قدرتهای امپریالیستی جهان در دستهای

جنگ ایران و عراق باعث گردیده تا گروهی بنام "حزب رنجبران" دفاع بی قید و شرط خود را از تمامی ارگانها و عمال امپریالیسم آمریکا تحت لوای "سازره علیه دوا بر قدرت" بد و قبحانه ترین نحوی اعلام دارد. البته این اولین باری نیست که "حزب رنجبران" این چنین دفاعیات بی شرمانه ای از امپریالیسم آمریکا تحت لوای "مبارزه علیه دوا بر قدرت" انجام داده اند. بعنوان مثال در گذشته نیز این آبرو با ختگسان حواسا رتقویت ارتش (البته

ارتش شاهنشاهی (!) در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی نده و در باره "مستقل و ملی بودن" نسبی شاه معدوم شوروی با فی کرده بودند. "حزب رنجبران" که مدافع بی چون و چرای شوروی و روبریونیتی و ضد انقلابی "سه حیان" می باشد، بر اساس این تئوری "صواره خواستار" مبارزه علیه دوا بر قدرت" است. ولی صواره این "مبارزه" بد شدت با فقط سوسیال امپریالیسم شوروی ختم میگردد، آنهم در اتحادیه امپریالیسم آمریکا "حزب رنجبران" بر اساس این تئوری "رسالت دفاع از همه رهای ریز و درشت امپریالیسم، رسالت زده و دن انقلاب از افکار و اذهان مردم، رسالت سازش طبقاتی با اطمینان ترین دشمنان انقلاب ایران، رسالت تبلیغ سازش با همه نوکران و متحدین امپریالیسم آمریکا و خود امپریالیسم آمریکا و... را بر عهده گرفته است.

اطلاعیه شماره ۱۴

شیوخ مرتجع، جاسوسان ارتش مزدور صدام تکریتی دردم باید اعدام شوند!

شیوخ مرتجع "عرب" در خورستان با تجاوز بیشتر ما... اثر ارمنی به خاک میین ما، بنا به ماهیت ارتجاعی خویش، بنا به منیت بیمارگونه، خود با انقلاب و آزادی و استقلال میهن، به یاری رجا سوسی این متجاوزین برخاستند. شیوخ مرتجع، هانهای که مدست سید احمد مدنی جلاد مسلح تده بودند، جریانهای نامعای وی سسی نام "حرکت الجما هیر" (حرکت توده ها!!) علم گردید و ادعای مالکیت و حکومت در خورستان را کرده اند. این جریان در مناطق دارخوین، شادگان، سوسنگرد و... به جاسوسی و خرابکاری به نفع بعضی های متجاوز مشغولند. این مزدوران اشرا ربعث شب ها در آبادان به پاسداران و سنگرهای درمندگان انقلابی ایران تیراندازی میکنند و دقیقاً به متابه ستون پنجم امپریالیسم عمل میسازند.

البته "حزب رنجبران" مانند بقیه روبریونیتیها خیلی "موقع شناس" میباشد و در شرایطی که مردم ایران در مبارزهای سهمگین با امپریالیسم آمریکا بند، جرات نمیکنند که صاف و پوی- ست کننده نظرات خود را بیان کنند، بلکه نظرات مسموم و زهر آکین خود را در پوششی "تکرین" و سگرا و ریبیجیده و به مردم عرضه می نماید. تا کتیک کنونی "حزب رنجبران" برای تبلیغ و "جا انداختن" خط منی ارتجاعی و روبریونیتی خود در دفاع مستقیم از امپریالیسم آمریکا بحکم شرایط موجود در ایران - بلکه دفاع از مواضع ارگانها